



امواج آلوده  
رصد و تحلیل موضوعی شبها  
شماره ۱۷  
انتخابات

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبها  
(حوزه‌های علمی)

شبها  
موسسه تخصصی پژوهش و پاسخ‌گویی

## مقدمه

نخبگان حوزه‌های علمیه و فرهیختگان بصیر جامعه، تبیین معارف اسلام ناب محمدی و آگاه‌سازی جامعه را تکلیف الهی، انسانی و انقلابی خویش می‌دانند و در این زمینه، رصد فضای فکری، اجتماعی و تبلیغی، شناسایی شبهات، به منظور حضور بهنگام، سریع و قوی در مواجهه با آن ضرورت دارد؛ تا زنگار شبهه از ذهن و روان همگان زدوده و بر سلامت جامعه افزوده شود.

«امواج آلوده» تلاش می‌کند به صورت ماهانه و در قالب پرونده‌های موضوعی، مهم‌ترین شبهات مطرح در فضای فکری جامعه را به همراه عناصر مهم تحلیلی، پاسخ اجمالی، منابع مطالعه و ایده‌هایی برای مقابله ارائه نماید.

در این شماره مهم‌ترین شبهات درباره انتخابات تهیه و تنظیم شده است.

گروه شبهه‌شناسی

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات

(حوزه‌های علمیه)

## فهرست

- لوازم مشروعیت نتایج انتخابات خبرگان رهبری / ۴  
امام علی و انتخابات / ۱۴  
دستیابی به حق حاکمیت مردم تنها از طریق انتخابات  
آزاد، سالم و عادلانه ممکن است / ۲۴  
انتخابات نمایشی / ۳۱  
در جمهوری اسلامی ایران انتخابات آزاد نداریم / ۳۷  
شورای نگهبان صلاحیت احراز صلاحیت علمی  
داوطلبان مجلس خبرگان را ندارد! / ۴۴  
چرا نباید در انتخابات تحت حاکمیت جمهوری  
اسلامی شرکت کرد؟ / ۵۱  
چرا جمهوری اسلامی، جمهوری نیست؟ / ۵۷  
دروغی به نام انتخابات در جامعه دینی / ۶۴  
نمایش انتخابات با بازیگران دست چنم / ۷۲

## لوازم مشروعیت نتایج انتخابات خبرگان رهبری

**موضوع عام:** انتخابات

**موضوع خاص:** انتخابات مجلس خبرگان رهبری

**نام شبیه کننده:** محمد سروش محلاتی

**منبع انتشار شبیه:** آفتاب یزد

**هدف های احتمالی:** ایجاد تردید در صیانت از حقوق ملت در انتخابات، ایراد اتهام به شورای نگهبان، ایجاد شائبه دخالت نهادهای امنیتی در روند انتخابات.

**نمایه ها:** مجلس خبرگان، رهبری، شورای نگهبان، انتخابات.

شناسه شبیه

### متن شبیه

مبنای حقوقی، مسأله نص قانون اساسی است که در اصل یکصد و هفتم به «خبرگان منتخب مردم» تصریح کرده است و زیربنای فقهی آن همان سخنی است که حضرت امام خمینی در آخرین روزهای حیات خود فرمود، که «نفوذ حکم مجتهد جامع الشرایط به تعیین وی از سوی خبرگان منتخب مردم است»، از این رو رأی و نظر خبرگانی که از پشتوانه مردمی برخوردار نبوده و انتصابی باشند، شرعا و قانونا نمی تواند فقهی را برای مردم تعیین و بر آن ها تحمیل کند؛ بناء علیهذا هرگونه اقدامی که نقش این انتخاب را تقلیل دهد و جوهره آن را تضعیف نماید، به اعتبار این نهاد لطمه وارد می سازد. مثل:

یک: حذف داوطلبانی که صلاحیت آنان مورد تأیید اعظام حوزه قرار گرفته و بر اساس نظرسنجی ها، بیشترین گرایش مردم را به همراه داشته اند؛

دو: سپردن مدیریت انتخاباتی ( در مراحل مختلف تأیید صلاحیت و یارسیدگی به شکایات و یا نظارت ) به گروهی که خود دارای تشکل صنفی - سیاسی حوزوی برای معرفی کاندیداهای خاص و تبلیغ از آنان می باشند؛

سه: تصمیم‌گیری درباره صلاحیت داوطلبان توسط رقیبان انتخاباتی خود؛

چهار: تصمیم‌گیری منصوبان حاکم درباره صلاحیت کسانی که می‌خواهند درباره حاکم نظر دهند؛

پنج: استثنا کردن علمایی که اجتهادشان توسط رهبری تأیید شده از نیاز به امتحان، و بی‌اعتبار شمردن شهادت به اجتهاد همه مراجع تقلید؛

شش: محول شدن رسیدگی به شکایات شاکیان، به خودمشتکی‌عنه؛

هفت: مجازبودن رد صلاحیت داوطلبان در زمانی که فرصت اعتراض برای آن‌ها وجود ندارد؛

هشت: برگزاری امتحان برخی کاندیداها توسط برخی از کاندیدهای دیگر؛

نه: یکی‌بودن نهاد اجرا (در مرحله رسیدگی به صلاحیت و آزمون داوطلبان) با نهاد نظارت؛

انتخاب" (و از همه مهم‌تر آن که ( در تفکر غالب بر فقهای نظام، اساساً " ده: برای تعیین اعضای خبرگان، موضوعیت ندارد و چون آن‌ها نقش بینه و شاهد را برعهده دارند، از این رو بدون انتخاب مردم نیز نظر آن‌ها شرعاً حجت است؛ یعنی شرعاً مانعی برای نصب آن‌ها از سوی رهبری وجود ندارد! چه این که مردم نیز وظیفه دارند نظر آن‌ان را بپذیرند؛ حتی اگر بدون انتخاب در این نهاد باشند؛ زیرا اساساً در هیچ یک از امور حکومت، مردم حق دخالت ندارند: «لم یکن لواحد منهم من عند نفسه ان یتدخل فی امر من امور الملک و الامه، فانه مفوض من عند الله الی ولی الامر»

با توجه به نکات بالا مسأله اول امروز خبرگان نه مسأله تعیین رهبر است و نه مسأله نظارت بر او، بلکه مسأله انتخاب یا انتصاب است، مسأله صیانت حق انتخاب مردم است. چه بسا به گمان ساده‌انگاران، خبرگانی با ترکیب مشابه خبرگان کنونی نیازی به هزینه‌کردن و در صحنه حاضر بودن نیست. خطای این تحلیل آن است که در آن، ارزش انتخاب نادیده انگاشته و متقابلاً از خطر رو به

ضعف رفتن انتخاب غفلت گردیده است. نباید فراموش کنیم، که خبرگانی با بهترین ترکیب، چنانچه بدون انتخاب باشد، برای فردای ما فاجعه است.

## پیشنهاد ها

### ■ پاسخ اجمالی:

۱. پیش از هرگونه داوری درباره ادعاهای مطرح شده در این شبهه، باید به این سؤال پاسخ دهیم که برای ارزیابی درستی یا نادرستی این بندها، چه ملاک و معیاری باید در نظر گرفته شود؟ آیا مطابقت عملکردها با قوانین و موازین پذیرفته شده نظام دینی را باید ملاک قرار داد یا تفاسیر شخصی از رخدادهای هم می‌تواند مبنای قضاوت قرار گیرد؟ آنچه در هر یک از بندهای شبهه مشهود، ارزیابی اتفاقات رخ داده در برخی از انتخابات‌ها با ملاک‌های شخصی است. به پندار شبهه‌پرداز، هریک از این رخدادهای باعث مخدوش شدن انتخابات و در نهایت، تقلیل جایگاه نهاد مجلس خبرگان می‌شود. در متن شبهه، به جای مراجعه به قانون و موازین مقبول، موازین، معیارها و در واقع، برداشت‌های شخصی نویسنده، ملاک قضاوت قرار گرفته است. این در حالی است که اگر به قوانین و یا سایر موازین مورد قبول مراجعه شود، پاسخ بسیاری از این شبهات به راحتی داده خواهد شد.

۲. بنا به نص قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مرجع تعیین قوانین مرتبط با مجلس خبرگان رهبری، خود مجلس خبرگان است، که در قالب آئین‌نامه داخلی، قوانین مربوطه را به تصویب می‌رساند. از سوی دیگر، بر اساس آئین‌نامه داخلی مجلس خبرگان، مرجع نظارت بر تشخیص شرایط کاندیداهای مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان قرار داده شده و این شورا بر اساس ضوابطی که برایش ترسیم شده و با استفاده از راهکارهای مختلف، از جمله استفاده از نهادهای اطلاعاتی - امنیتی، استادان حوزه علمیه و

غیره، بر فرایند احراز شرایط قانونی کاندیداهای مجلس خبرگان نظارت می‌کند. از سوی سوم یکی از شرایط نامزدی در انتخابات خبرگان، احراز اجتهاد نامزدها است، که نوعی شرط علمی محسوب می‌شود و برای کسانی که اجتهادشان برای شورای نگهبان از راه‌های دیگر اثبات نشده، لازم است. از این رو لازم بود راهکاری عادلانه و یکسان اندیشیده شود تا حقی از هیچ‌کدام از کاندیدها ضایع نگردد. در قانون سابق، احراز صلاحیت داوطلبان مجلس خبرگان توسط گواهی سه نفر از استادان معروف درس خارج حوزه‌های علمیه<sup>۲</sup>، یا تأیید ضمنی و یا تصریح به اجتهاد کسی از طرف رهبری معظم و یا اشتها روی به اجتهاد در مجامع علمی و یا در منطقه خود<sup>۳</sup>، انجام می‌گرفت، اما در ادوار بعد، با توجه به مشکلاتی که چندگانگی مراجع تأیید صلاحیت ایجاد می‌کرد و موجب حذف برخی از افراد دارای صلاحیت و یا تأیید افراد ناصالح می‌گردید و این خود رویه‌ای ناعادلانه محسوب می‌شد، بر اساس مصوبه مجلس خبرگان، مرجع تشخیص صلاحیت نامزدها، به فقهای شورای نگهبان محدود و منحصر گردید<sup>۴</sup> و تنها کسانی که مقام رهبری به صورت ضمنی یا صراحتاً اجتهاد آنان را تأیید کند، به تأیید صلاحیت علمی نیازی ندارند. چنین رویه‌ای علاوه بر رفع مشکلات گذشته، مزایای دیگری هم دارد که در جای خود مورد بحث قرار گرفته است<sup>۵</sup>. بر این اساس اگر بخواهیم مَرّ قانون را ملاک و

۱. راهکارهای دیگر مثل اجتهاد رئیس قوه قضائیه، به این صورت که با توجه به لزوم اجتهاد رئیس قوه قضائیه، وقتی رئیس این قوه در انتخابات خبرگان شرکت می‌کند، خود به خود اجتهادش اثبات شده بوده و از این منظر به احراز صلاحیت نیازی نیست.

۲. تبصره ۱ ماده ۲ قانون انتخابات و آئین‌نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری، پایگاه اطلاعات قوانین و مقررات کشور:

(<http://www.dastour.ir/brows/?lid=105951>)

۳. قانون اصلاح و تکمیل آئین‌نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری، (همان): <http://www.dastour.ir/brows/?lid=108929>

۴. تبصره ۱ ماده ۳ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری، سایت اطلاع‌رسانی شورای نگهبان:

<https://www.shora-gc.ir/fa/news/1966/>

۵. برای نمونه، رک: مقاله مزیت‌های شورای نگهبان برای تأیید صلاحیت

مبنای عمل شورای نگهبان قرار دهیم و آنچه در فرایند انتخابات رخ می‌دهد را با موازین تطبیق دهیم، خواهیم دید که شورای نگهبان، جز عمل به وظیفه ذاتی خود، که قانون بر عهده‌اش نهاده، کاری انجام نداده است. حال اگر شورای نگهبان برای احراز صلاحیت علمی فردی، بخواهد به شهادت استادان و یا مراجع معظم تقلید مراجعه کند، یا باید این شهادت‌ها برای شورا علم‌آور باشد، که اگر چنین شود، شورا قطعاً بر اساس آن عمل می‌کند و یا آنکه قانون فعلی به صورت کلی تغییر یافته و به حالت سابق برگردد.

بر خلاف شایعه‌ها و شائبه‌هایی که درباره تأیید صلاحیت برخی کاندیداهای مجلس خبرگان توسط مراجع معظم تقلید، مطرح شده و به همین سبب علیه شورای نگهبان جوسازی‌هایی صورت گرفته، چنین امری درباره هیچ یک از کاندیداهای گذشته اتفاق نیفتاده است.

۳. درباره موضوع نظرسنجی که در شبهه مطرح شده، گفتنی است که متأسفانه در سال‌های اخیر روال غلطی در کشور به وجود آمده و آن استناد به نظر سنجی‌هایی است که اعتبار اکثر آن‌ها ثابت نیست. عمده این نظرسنجی‌ها در واقع، نظرسازی است و به هیچ وجه نمی‌تواند برای نهادهای نظارتی ملاک عمل قرار گیرد. منعکس‌کننده نظر و رأی قطعی و واقعی مردم، تنها صندوق‌های انتخابات است و اگر بنا باشد نظرسنجی، ملاک عمل قرار گیرد، اساساً برگزاری انتخابات با هزینه‌های گزاف چه ضرورتی دارد؟! این مسئله زمانی اهمیت می‌یابد که بدانیم بسیاری از نظر سنجی‌های ادعایی در ایام انتخابات، واقعیت خارجی ندارد و صرفاً آرزوهای مدعیان نظرسنجی است و با هدف القای نگرش‌های خاصی به مردم شایع می‌شود. حتی بسیاری از نظرسنجی‌هایی که واقعا انجام می‌گیرد،

نمایندگان مجلس خبرگان رهبری:

(<http://www.andisheqom.com/public/application/index/view-Data?c=541&t=news>)



فاقد اعتبار است و نوعی نظرخواهی از افرادی است که معمولاً درباره یک موضوع خاص، نگرش همسانی دارند.

۴. ادعای «تشخیص صلاحیت کاندیداهای خبرگان توسط منصوبان رهبری» ادعای نادرست و تکراری است. این مسأله معمولاً با عنوان «شبهه دور» مطرح شده و پاسخ‌های فراوانی هم به آن داده شده است. می‌توان شبهه دور را در گزاره رو به رو خلاصه کرد: «از یک سو "مجلس خبرگان با نصب ولی فقیه، به او (اعتبار می‌بخشد) و ولی فقیه هم با نصب فقهای شورای نگهبان، به این شورا (اعتبار می‌بخشد) و از دیگر سو شورای نگهبان هم با تعیین و تأیید نامزدهای مجلس خبرگان، به این مجلس (اعتبار می‌بخشد) و این دور مضمِر منطقی است و دور باطل است.»

در پاسخ به این شبهه گفتنی است که اولاً دور در امور واقعی محال است نه در امور اعتباری و روشن است که نصب اعضای شورای نگهبان و تأیید صلاحیت‌های نامزدها از امور اعتباری است؛ ثانیاً برخلاف تصور شبهه‌کنندگان، در این مسأله هیچ دوری وجود ندارد. بر اساس مبانی کلامی - فقهی ولایت فقیه، ولی فقیه اعتبار و مشروعیت خود را از حکم خدای متعال، به جعل ولایت برای پیامبر اکرم و ایشان برای ائمه هدی علیهم السلام و ائمه برای فقهای جامع الشرایط (و نه از ناحیه مردم)، کسب می‌کند. فرمان خدای متعال اعتبار ذاتی دارد و لازم نیست کسی یا مرجع دیگری به فرمان خداوند اعتبار دهد؛ بلکه بر اساس مالکیت حقیقی خدای متعال نسبت به همه اجزاء و شؤون هستی، خداوند می‌تواند هرگونه تصرف تکوینی و تشریحی را در هستی و شؤونات آن اعمال کند. بر این اساس در نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه، "خدای متعال به ولایت پیامبر (اعتبار می‌بخشد) و پیامبر به ولایت ائمه و ائمه علیهم السلام به ولایت ولی فقیه و ولی فقیه به مجلس و دولت (اعتبار می‌بخشد). مجلس خبرگان،

برای ولی فقیه، جعل ولایت و اعتبار نمی‌کند؛ بلکه تنها ولی فقیه مجعول از جانب خداوند را کشف و به مردم معرفی می‌کند.

مغالطه‌ای که در شبهه دور وجود دارد این است که "ولّی فقیه اعتبارش را از مجلس خبرگان کسب می‌کند"، در حالی که مجلس خبرگان، تنها شأن کشف، معرفی و نظارت بر استمرار صفات رهبری را دارد و هرگز جعل ولایت نمی‌کند. اعتبار خود خبرگان، برای اعمال خبرویت، داشتن شروط عدالت و علم است که آن هم، از طریق تأیید صلاحیت‌های لازم از سوی شورای نگهبان است. شورای نگهبان برای اعضای مجلس خبرگان جعل خبرویت نمی‌کند؛ بلکه تشخیص، تأیید و معرفی افراد دارای صلاحیت خبره واقع شدن را انجام می‌دهد. نظیر این امر، موضوع انتخاب مرجع تقلید و تعیین اعلم است که معمولاً به سراغ افراد خبره و متخصصان می‌رویم و از آن‌ها سؤال می‌کنیم. در این مورد هم خبرگان، کسی را به اجتهاد یا اعلمیت نصب نمی‌کنند؛ بلکه مرجع معرفی شده، در واقع، یا مجتهد است یا نیست، یا اعلم است یا نیست و نظر خبرگان تنها جنبه کاشفیت دارد. حال اگر فرد معرفی شده، واقعاً مجتهد یا اعلم است و خبرگان به عدم اجتهاد یا اعلمیتش نظر دادند، نظر آنان سبب نمی‌شود که فرد مورد نظر از اجتهاد یا اعلمیت بیفتد و اگر واقعاً مجتهد و اعلم نیست، و خبرگان به اجتهاد یا اعلمیت او نظر دادند، نظر آنان باعث نمی‌شود که اجتهاد و اعلمیت در او به وجود آید. پس رجوع به متخصصان، تنها برای این است که از طریق شهادت آنان برای ما معلوم شود که مجتهد اعلم (که قبل از سؤال ما خودش در خارج وجود دارد)، کیست.

۵. شبهه دیگری که مطرح شده این است که «محول شدن رسیدگی به شکایات شاکیان (نامزدهای رد صلاحیت شده) به خود مشتکی عنه (شورای نگهبان)» موجب بی‌اعتباری انتخابات مجلس خبرگان

است. پاسخ این است که شکایت کاندیداهای رد صلاحیت شده، از شورای نگهبان نیست، تا مشتکی عنه و داور یکی باشد؛ بلکه در واقع، اعتراض به کشف صورت گرفته و درخواست بررسی مجدد مستنداتی است که مبنا و ملاک رد صلاحیت آن‌ها قرار گرفته و یا ارائه اسناد و مدارک جدیدی است برای بررسی مجدد صلاحیت است و در چنین مواردی اساساً مسئله شکایت و اتحاد قاضی و مشتکی عنه پیش نمی‌آید. این امر مانند این است که پس از برگزاری آزمون پایان سال توسط معلم، یکی از شاگردان به نمره داده شده اعتراض کند. در چنین مواردی روال کار همواره به این صورت است که وی دلائل اعتراض خود را به همان معلم توضیح داده و خواستار بررسی مجدد می‌شود. در نهایت معلم نظر خود را اعلام و نمره نهایی مبنای قبولی یا مردودی شاگرد قرار می‌گیرد. در چنین مواردی بحث شکایت مطرح نیست تا شبیه وحدت قاضی و مشتکی عنه مطرح شود. احاله اعتراض نامزدها به نهادی غیر از شورای نگهبان موجب تسلسل و طولانی‌شدن فرایند بررسی صلاحیت‌ها می‌شود.

۶. درباره شبیه «سپردن مدیریت انتخاباتی به گروهی که خود دارای تشکل صنفی - سیاسی حوزوی برای معرفی کاندیداهای خاص و تبلیغ از آنان می‌باشند»، توضیح روشنی ارائه نشده است. اولاً مشخص نیست منظور از تشکل صنفی- سیاسی حوزوی، که مدیران انتخابات خبرگان در آن عضو هستند، چیست؟ ثانیاً حتی اگر چنین مسئله‌ای واقعیت داشته باشد، مشخص نیست چه ایرادی به روند انتخابات وارد می‌کند؟ به ویژه آنکه قانون نیز عضویت مجریان و ناظران انتخابات در تشکل‌های را سیاسی منع نکرده و صرفاً دخالت‌دادن وابستگی‌های سیاسی در امور مربوط به انتخابات، که به عدم رعایت اصل بی‌طرفی می‌انجامد، را ممنوع کرده است. بالاتر آنکه

اگر قرار باشد مجریان و ناظران انتخابات عضو هیچ حزب، گروه و تشکل صنفی و یا سیاسی نباشند، پیداکردن چنان افرادی برای اجرا و نظارت بر انتخابات واقعا مشکل‌آفرین خواهد بود. به عنوان مثال مجریان انتخابات همچون بخش‌های تابعه وزارت کشور، همواره تابعانی از جریان کلی حاکم بر قوه مجریه هستند و عمده اعضای آن‌ها نیز به گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی مختلف وابستگی دارند و این گروه‌ها و تشکل‌ها نیز معمولا لیست انتخاباتی می‌دهند، بدون اینکه کسی این کار را اشکال بداند. بله اشکال کار آنجا است که علایق حزبی و گروهی مجریان انتخابات در فرایند تصمیم‌گیری‌های آن‌ها تأثیر گذاشته و باعث مخدوش شدن اصل بی‌طرفی گردد. باقی شبهات نیز عمدتا یا برداشت‌های شخصی نویسنده است و بر مبنا و ادله قانونی یا شرعی استوار نیست و یا نوعی امور ترجیحی است که ممکن است در برخی از موارد گزینه مناسب‌تری برای اعمال قانون باشد.

#### ■ منابع جهت مطالعه:

- سید احمد مرتضایی، نظارت استصوابی یا استطلاعی: بررسی فقهی - حقوقی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰
- محمد فدوی و کاظم کوهی اصفهانی، اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴
- جمعی از اساتید و صاحب نظران، مجلس خبرگان رهبری، جایگاه، عملکرد و شرایط اعضاء، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۵
- مجموعه قوانین و مقررات انتخابات: مشتمل بر اصول قانون اساسی و نظرات تفسیری و مشورתי شورای نگهبان، قوانین و مقررات مربوط به همه پرسی و انتخابات مجلس خبرگان رهبری، تهران: پژوهشکده

شورای نگهبان، ۱۳۹۴

• کلمه نخست، مجلس خبرگان رهبری از دیدگاه قانونگذار، مجله حکومت اسلامی، شماره ۴۱، پاییز ۱۳۸۵

• صمصام الدین قوامی، مبانی فقهی مجلس خبرگان رهبری، مجله حکومت اسلامی، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۸۵

• علیرضا سایبانی و دیگران، بررسی جایگاه مجلس خبرگان در قانون اساسی، مجله پژوهش ملل، شماره ۱۵، اسفند ۱۳۹۵

• غلامحسین الهام و دیگران، بررسی و تحلیل بایسته‌های ساختاری مجلس خبرگان با رویکرد هدف‌گرا، مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۰۰، تابستان ۱۴۰۰

• سید احمد مرتضایی، بررسی شرایط نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس خبرگان، اندیشه‌های حقوق عمومی، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۰

• محسن ولایتی، ماهیت فقهی - حقوقی انتخاب رهبر توسط مجلس خبرگان، حکومت اسلامی، شماره ۷۳، تابستان ۱۳۹۰.

### ■ ایده‌هایی برای مقابله:

شفاف‌سازی هرچه بیش‌تر از روند تأیید یا عدم تأیید صلاحیت‌های نامزدهای انتخابات؛ تغییر قانون ممنوعیت انتشار مستندات رد صلاحیت داوطلبان از سوی شورای نگهبان؛ برگزاری مناظرات تلویزیونی با مخالفان و موافقان نظارت استصوابی شورای نگهبان؛ ساخت مستند و موش‌گرافی با موضوع بررسی تطبیقی فرایند انتخابات در کشورهای مختلف؛ ساخت برنامه‌های گفتگو محور درباره تبیین شرایط قانونی و روندهای انتخاباتی در جمهوری اسلامی؛ تهیه و توزیع بوروشور، بولتن و جزوه‌های الکترونیکی پاسخ به شبهات انتخاباتی.

## امام علی و انتخابات

**موضوع عام:** انتخابات

**موضوع خاص:** انتخابات از منظر امام علی

**نام شبیه‌کننده:** عبدالعلی بازرگان

**منبع انتشار شبیه:** سایت شخصی عبدالعلی

بازرگان

**هدف‌های احتمالی:** ایجاد تردید در مبانی

ولایت فقیه و جمهوری اسلامی، تأیید ضمنی

مشروعیت خلافت خلفا، متهم‌ساختن

جمهوری اسلامی به استبداد.

**نمایه‌ها:** امام علی، انتخابات، خلافت،

جمهوری اسلامی، نهج البلاغه.

### متن شبیه

از عنوان فوق ممکن است تعجب کرده باشید؛ انتخابات و جامعه بدوی و بی‌سواد چهارده قرن قبل؟! حق دارید تعجب کنید! انتخابات و مراجعه به آراء مردم، یعنی دموکراسی، محصول مدرنیته و دنیای جدید است؛ و گرنه قبل از انقلابات اجتماعی در اروپا، همواره و همه جا شاهان و سلاطین حکومت می‌کردند و مردم در سیاست و حاکمیت بر سرنوشت اجتماعی خویش نقشی نداشتند. همیشه در قالب تئوکراسی و آریستوکراسی و انواع عناوین و ادعاها، مستبدانی بر مردم حکومت می‌کرده‌اند.

حتی در یونان باستان نیز، که مهد دموکراسی نامیده شده، از ۴۰۰ هزار جمعیت شهر آتن فقط چهل نفر از اشراف و فیلسوفان حق رأی داشتند؛ یعنی از هرده هزار نفر فقط یک نفر!! کارگران، دهقانان، زنان و بقیه طبقات متوسط همگی تابع همان اقلیت ممتاز بودند.

اگر این تحول در جوامع بشری مبارک و میمون بوده

است و "مردم سالاري" و مراجعه به آراء اكثريت مردم براي تعيين سرنوشت جامعه از مهم‌ترين دستاوردهاي جديد بشريت است، جا دارد نگاهی از اين منظر به نحوه به قدرت‌رسیدن امام علی و دیدگاه ایشان در مورد "مبنای مشروعیت نظام سیاسی" بیندازیم و مقایسه‌ای میان ادعاها و عملکردهای امام علی و جمهوری اسلامی ایران بنمائیم.

مسلاً در نظامات قبيله‌ای چهارده قرن قبل و در میان مردم بی‌سواد عربستان صندوق و برگه رأی یا کارت الكترال و ابزار مشابه وجود نداشته است، اما تحقق‌بخشیدن به مردم‌سالاری در هرزمان و مکانی شیوه خاص خود را طلب می‌کند. مهم، روح این رفتار است که باید رعایت شود و گرنه وجود صندوق و برگه رأی، همانطور که به کرات تجربه کرده‌ایم، مردم سالاری را تضمین نمی‌کند.

در نظامات دموکراتیک امروز انتخابات عموماً در دو مرحله انجام می‌شود؛ نخست رهبر یا نمایندگان مجلس از طریق "احزاب"، که کانون سیاست‌مداران و اندیشمندان به شمار می‌روند، برگزیده و به مردم معرفی می‌شوند، در مرحله بعد توده‌های مردم در صورت تمایل به کاندیداهای مورد قبول‌شان رأی می‌دهند.

دقیقاً همین شیوه، قبل از این که مجدداً سرنوشت مردم با تسلط بنی‌امیه، به دیکتاتوری فردی بازگردد، در مورد خلفای چهارگانه بعد از پیامبر اسلام اتفاق افتاد، البته با تفاوت‌هایی در شکل اجرائی آن. دو مرحله‌ای بودن انتخابات را مسلمانان صدر اسلام در قالب "شورا و بیعت" انجام می‌دادند. شورای مسلمانان که نقش امروزی احزاب را ایفا می‌کرد، از "مهاجرین و انصار"، که از پایه‌گذاران جامعه اسلامی و جانبازان آن محسوب می‌شدند، تشکیل می‌شد. این گروه با "شورای" خود، فرد مناسبی را برگزیده و به مردم معرفی می‌کردند تا در

صورت توافق با او "بیعت" کنند.

سه خلیفه نخست را هرچند مردم با "بیعت" آزادانه خود "انتخاب" کردند، اما متأسفانه شورای جامع و فراگیری که همه اهل حل و عقد (صاحب نظران) در آن حضور داشته باشند، تشکیل نشد و این گزینش در حلقه بسیار محدودی (شبهه شورای نگهبان ما) انجام شد و مرحله نخست مردم سالاری (شورا) شتاب زده و نیم بند صورت گرفت.

با قیام مردم علیه خلیفه سوم، به دلیل گماشتن خویشاوندان نالایقش بر مصادر امور، توده‌های مردم سراغ علی (ع) آمدند و مُصرّاً از او درخواست ولایت کردند. بحث حاضر اشاره‌ای است کوتاه به نحوه برگذاری "شورا"ی صاحب نظران، "بیعت" مردم با ایشان، عرضه برنامه‌ها و مواضع سیاسی و بالاخره دیدگاه امام نسبت به "مبانی مشروعیت نظام".

در مرحله "شورا" تشخیص امام بر این بود که ابتدا باید "مهاجرین و انصار" (به خصوص اصحاب بدر)، که نخبگان جامعه آن روزگار بودند، در مهلت و فرصتی کافی (سه روز) "مشورت" نمایند. لذا از بیعت با توده‌های انقلاب کرده مردم که سیل‌وار به سوی او آمده بودند امتناع کرد تا هم از شیوه‌های پوپولیستی و سوارشدن بر موج احساسات تحریک شده حذر کرده باشد و هم مردم را به رایزنی و اندیشه در راه حل‌های ممکن مدد رسانده باشد.

پس از آن که رأی همگان (حتی رقبایش طلحه و زُبیر) بر خلافت او تعلق گرفت، آنگاه توده‌های مردم را برای بیعت پذیرفت. صحنه‌هایی که از روز انتخابات (بیعت عمومی) در نهج البلاغه گزارش شده است، نمایشی است از حضور باشکوه تمامی ملت؛ از زن و مرد و پیر و جوان، حتی کودکان و نوجوانان نابالغ و معلولان و بیماران. در جشنی ملی، پس از ۲۵ سال برکناری و محرومیت ملت.



گزارش این صحنه‌ها را (که در خطب: ۳، ۵۳، ۹۱، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۷۱، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۲۹ و... نهج البلاغه و کتاب‌های شرح ابن ابی‌الحدید، بحارالانوار، تاریخ طبری و... آمده است) امام نه برای تبلیغ و خودستایی، بلکه در دوران بی‌وفائی یاران و فراموشکاری مردم بازگو کرده است تا یادآوری کند او بدنبال قدرت نبوده و آن‌ها حکومت را بر او تحمیل کردند!

انتخاباتی که برگزار شد (به تعبیری که در نامه اول فصل ۵ نهج البلاغه آمده است) در نهایت آزادی، با اختیار کامل و بدون هیچ اکراه و اجباری بوده است (بایعنی الناس غیر مستکرها و لا مجبرین بل طائعین مخیرین). و به تعبیر دیگری (نامه ۵۴) مردم نه به خاطر ترس از سلطه حکومتی بیعت کردند و نه کالائی عرضه شده بود (قابل توجه ریاست جمهوری تحمیلی جمهوری اسلامی!) اما جالب‌تر "اعلام مواضع" یا بیان برنامه سیاسی و تصریح به حقوق دوطرفه‌ای (میان ملت و رهبری) بوده است که شخص ایشان، یا نمایندگان‌شان در شهرهای دیگر، هنگام اخذ بیعت از مردم اظهار می‌داشتند. ذیلاً به شمه‌ای از آن‌ها اشاره می‌گردد:

صبح روز جمعه‌ای که مردم برای بیعت با حضرت حاضر شده بودند در بیان مواضع خود فرمود:

"ای انبوه مردم هوشمند، هیچ کس در حکومت بر شما حق اختصاصی ندارد؛ مگر آن کس را که شما خودتان امیر کنید!" (بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۶۷ چاپ تبریز)

"کلیدهای اموال شما (بیت المال) با من است، اما بدانید که بر من جایز نیست بدون اجازه و نظر شما درهمی از آن خرج کنم. آیا به این کیفیت راضی هستید؟!"

تعهد فوق را مقایسه کنید با "مبسوط الید!!" بودن متولیان حکومت ما که میلیاردها سرمایه مملکت و درآمد سرشار نفت را به تشخیص خود و بدون اطلاع مردم، حتی اطلاع نمایندگان‌شان در مجلس، به

کشورهای دلخواه‌شان می‌دهند و بخش اعظم بودجه مملکت را خارج از حسابرسی دولتی خرج می‌کنند! عمار یاسر با چنین عبارتی برای حضرت علی از مردم بیعت می‌گرفت:

«ما بر اساس کتاب خدا و سنت رسول (قانون اساسی جامعه دینی آن روزگار) با شما بیعت می‌کنیم. اگر بر آن وفا نکردیم، حق اطاعتی بر شما نداریم و بیعتی برگردن شما نیست. فقط قرآن امام ما و امام شما است!» (بحار الانوار ج ۸)

در "مصر" قیس بن عباد این چنین برای حضرت علی از مردم بیعت می‌گرفت: «برخیزید و بر کتاب خدا و سنت پیامبرش بیعت کنید، پس اگر ما در میان شما به کتاب خدا و سنت رسول عمل نکردیم، بیعتی برگردن شما نداریم!»

(تاریخ طبری، ج ۳، ص ۵۵)

حتی پس از ضربت خوردن، هنگامی که مردم با اندوه فراوان برای کسب تکلیف از او سؤال می‌کردند: «در صورتی که شما را از دست بدهیم، آیا با حسن (ع) بیعت نمائیم؟» فرمود: «این کار را نه به شما امر و نه نهی می‌کنم، خودتان بهتر می‌دانید!» (مروج الذهب) پس از شهادت امام، عبدالله بن عباس بیرون آمد و گفت: «امیرالمؤمنین وفات یافت و فرزندی (امام مجتبی) از او باقی مانده، اگر می‌خواهید برای شما بیرون بیاید (زمامدار شود) و اگر نمی‌خواهید هیچ کس برگردن شما حقی ندارد!»

سلام خدا و فرشتگان و بندگانش بر او باد که بنیاد مردم‌سالاری را در اسلام بنا کرد و الگویی از عدالت و آزادی باقی گذاشت!

### ■ پاسخ اجمالی:

۱. شکی نیست که انتخاب و تشکیل حکومت امام علی علیه السلام، آزادترین، سالم‌ترین، اخلاقی‌ترین و انسانی‌ترین انتخاب و حکومت پس از حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. اما این امر چه ربطی به انتخابات به معنای مدرن آن دارد. در انتخابات مدرن، ظاهراً کسانی که حداقل شرایط و صلاحیت‌های لازم (طبق قانون اساسی هرکشور)، برای تصدی یک پست را دارند، به مردم معرفی می‌شوند و مردم هم، بسته به سلیق، منافع و نگرش‌های خود هرکدام را بخواهند انتخاب و در نتیجه، آنکه حائز اکثریت آرا شود، برای آن منصب، برگزیده می‌شود. چنانکه روشن است در چنین انتخاباتی، در همه مراحل، نوعی رقابت میان تعدادی از افراد شکل می‌گیرد و انتخابات بدون رقابت، معنا ندارد. در صورتی که در انتخاب امام علی علیه السلام هیچگونه رقابتی میان ایشان و افراد دیگر وجود نداشته و اکثریت مردم از ابتدا تنها خواهان خلافت امام بوده‌اند.

۲. فارغ از بحث‌های مفصلی که درباره ملاک‌ها، معیارها و سازوکارهای مشروعیت حکومت و حاکم در قرآن، سنت و روایات اهل بیت علیهم السلام وجود دارد و صورت‌بندی نظریه سیاسی اسلام، مستلزم بررسی همه آن دلائل است و اکتفا به آنچه در برخی از کلمات امام در نهج البلاغه آمده، خطای روش‌شناختی است، اگر بخواهیم دیدگاه امام علی را تنها از همین زاویه بررسی کنیم، روشن است که امام علیه السلام تنها رأی مهاجران و انصار را برای انتخاب حاکم لازم دانسته و باقی مردم را تابع مهاجران و انصار معرفی می‌کند؛ بر این اساس از دیدگاه امام، نوعی نخبه‌گرایی، بر پایه هجرت و نصرت، استنباط می‌شود. امام، بیعت عموم

مردم را شرط مقبولیت و همراهی می‌داند؛ نه شرط مشروعیت و حقانیت.

۳. بر اساس الگوی نسبت داده شده به امام، مشروعیت خلافت خلفای پیش از امام اثبات نمی‌شود؛ زیرا در انتخاب هیچکدام از خلفای پیش از امام، انتخاب خلیفه با رای‌زنی همه مهاجران و انصار صورت نگرفته است. انتخاب خلیفه اول با بیعت عده‌ای محدود و غیرشاخص از اصحاب پیامبر، انتخاب خلیفه دوم، با نصب خلیفه اول و انتخاب خلیفه سوم، با بیعت عبدالرحمن ابن عوف، صورت گرفته و هیچکدام از مردم عادی در مشروعیت بخشیدن به خلافت آن‌ها نقشی نداشته‌اند. از این رو اینکه نویسنده از خلافت خلفای اول تا سوم، به انتخاب آزادانه تعبیر کرده، صحیح نیست.

۴. در این شبهه، حتی همه مطالب امام در نهج البلاغه هم مورد بررسی قرار نگرفته است. امام علیه السلام در نهج البلاغه بیان‌های مختلف و متعددی درباره خلافت، معیارهای مشروعیت آن، نحوه انتخاب حاکم، شرایط و صفات حاکم و جایگاه خود نسبت به امامت جامعه اسلامی دارد. کسی که می‌خواهد «نظریه سیاسی» امام را از نهج البلاغه استنباط کند، دست کم باید همه سخنان امام در نهج البلاغه را بررسی و تحلیل کند. به عنوان نمونه امام علیه السلام در خطبه سوم، پیمان الهی از علمای دین را یکی از مبانی مشروعیت خلافت معرفی می‌کند: «... و آن پیمانی که خداوند از عالمان دین گرفته که بر شکم بارگی ظالمان و گرسنگی مظلومان آرام نگیرند...»<sup>۱</sup>؛ یا در همان خطبه، خود را حق‌دارتر، بلکه یگانه فرد شایسته خلافت، توصیف می‌کند: «... و او (ابوبکر) به نیکی می‌دانست که جایگاه من در نسبت با خلافت، همانند جایگاه محور آسیاب، به سنگ آسیاب است...»<sup>۲</sup>؛ یا در خطبه ۱۷۳

۱. «... ما اخذ الله على العلماء ان لا يقرؤا على كظه ظالم ولا سغب مظلوم...».

۲. «... انه ليعلم ان محلی منها محل القطب من الریح...».

در توصیف شرایط حاکم می‌فرماید: «ای مردم! همانا سزاوارترین مردم به امامت جامعه، کسی است که در به عهده گرفتن آن، نیرومندتر و به فرمان‌های خداوند در امور حکمرانی، عالم‌تر باشد؛...»<sup>۳</sup> که فقاقت را یکی از شرایط الزامی حاکم معرفی می‌کند؛ یا در خطبه‌های مختلفی از حق پایمال شده خود توسط قریش سخن گفته و از رفتار آنان شکایت می‌کند.<sup>۴</sup> مجموعه سخنان امام علیه السلام از نگرش خاص ایشان درباره حکومت، حاکم و امامت جامعه حاکی است، که با نگرش نسبت داده شده به ایشان توسط نویسنده شبهه، زمین تا آسمان تفاوت دارد.

۵. از قول عمار یاسر و قیس بن سعد بن عبادہ نقل شده که با مردم بر کتاب خدا و سنت پیامبر برای امام بیعت گرفته‌اند. این امر دلیل روشنی بر آن است که ملاک حکمرانی مشروع و عادلانه در جامعه اسلامی، انطباق امور با احکام قرآن و سنت پیامبر است، نه رضایت و خواست اکثریت؛ آن چنان که ظاهراً در حکومت‌های دموکراتیک این گونه است.

۶. سخن منقول از امام در بحارالانوار، که در آن امام به مردم می‌فرماید من درهمی را بدون رضایت شما مصرف نخواهم کرد، اولاً مربوط به مالیات‌هایی است که از مردم گرفته می‌شود نه همه دارایی‌های حکومت اسلامی؛ ثانیاً مقصود، رضایت کلی آنان است، نه رضایت جزئی آنان در تک تک امور مالی؛ وگرنه هیچ شواهدی بر اینکه امام در همه امور مالی از مردم نظرخواهی می‌کرده، وجود ندارد؛ ثالثاً مربوط به انفال، که شرعاً در اختیار امام است، نیست؛ رابعاً خود امام اسرار جنگی و امنیتی را از دیگر امور متمایز کرده است.<sup>۵</sup>

۳. «... أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ، وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ...».

۴. علی اکبر عباسی، «نقش قبیله قریش در دورکردن امام علی از خلافت»، پژوهش‌نامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.

۵. «... أَلَا وَ إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَنْ لَا أَحْتَجِبَنَّ دُونَكُمْ بِيْرًا إِلَّا فِي حَرْبٍ...»؛ امالی

خامسا خود امام در آغاز بیعت با مردم، روش حکمرانی خود را، کتاب خدا، سنت پیامبر و اجتهاد خویش معرفی کرده و تصریح کرده است که سرزنش هیچ کس را در امور حکمرانی نخواهد پذیرفت!<sup>۶</sup>

۷. اتهام مصرف کردن دل‌بخواهی بودجه کشور توسط جمهوری اسلامی در بیرون از کشور و بدون رعایت منافع ملی، اتهام سخیف و ناجوانمردانه‌ای است. بخشی از بودجه کشورها به امور نظامی و امنیتی اختصاص دارد، که قسمتی از آن در بیرون از کشورها هزینه می‌شود. اگرچه میزان بودجه اختصاص یافته به امور نظامی و امنیتی تا حدی شفاف است، اما نحوه هزینه کردن آن معمولا پنهان و سرّی است و این امر از اقتضائات امور نظامی و امنیتی است؛ زیرا اگر دشمنان درباره کمیت و کیفیت این امور اطلاع داشته باشند، ممکن است همه طرح‌ها و برنامه‌های نظامی و امنیتی کشور، که ضامن حفظ کشور از تهدیدها و توطئه‌های دشمنان است، خنثا شود. همچنین بسیاری از کشورها بودجه‌ای را برای کمک‌های بشردوستانه به ملت‌های فقیر و نیازمند اختصاص می‌دهند. جمهوری اسلامی ایران نیز بنا به رسالت اسلامی و انسانی خود، به برخی از کشورهای فقیر و نیازمند اسلامی و غیراسلامی کمک‌های غذایی، دارویی و خدماتی دارد.

#### ■ منابع جهت مطالعه:

- محمد سروش محلاتی، دین و دولت در اندیشه اسلامی، قم: انتشارات دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری
- حمید فغفور یثربی، سیره اجتماعی سیاسی امام علی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه
- علی کربلایی پازوکی، مردم‌سالاری دینی در نهج البلاغه، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی
- محمد علی برزگر، اخلاق و سیاست در رفتار امام علی،

قم: نشر زمزم هدایت

• محمد محمدی ری شهری، سیاست نامه امام علی،

قم: انتشارات دارالحدیث

• علی ذوعلم، سیاست، تهران: مؤسسه فرهنگی

دانش و اندیشه معاصر.

### ■ ایده‌هایی برای مقابله:

تبیین نظریه سیاسی امام علی و تحلیل کلمات ایشان درباره شرایط و منشأ مشروعیت سیاسی حاکم در نهج البلاغه، در قالب مقالات، کتاب‌ها و مناظرات علمی برای نسل جوان و فرهیخته؛ ساخت مستند و موشن‌گرافی درباره فعالیت‌های راهبردی و تاکتیکی جمهوری اسلامی در امور مربوط به امنیت و منافع ملی؛ برگزاری مناظرات تلویزیونی میان منتقدان و موافقان سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران؛ ساخت فیلم و سریال درباره مسائل و رویدادهای امنیتی با هدف مطلع شدن مردم از حساسیت‌های نظامی و امنیتی و آشنایی با توان نظامی و اطلاعاتی کشور.

## دستیابی به حق حاکمیت مردم تنها از طریق انتخابات آزاد، سالم و عادلانه ممکن است

موضوع عام: انتخابات

موضوع خاص: انتخابات آزاد

نام شبیه‌کننده: رضا پهلوی

منبع انتشار شبیه: سایت پارس دیلی نیوز:

parsdailynews.com

هدف‌های احتمالی: تضعیف نهاد انتخابات،

ایجاد تردید در مشروعیت جمهوری اسلامی،

سیاه‌نمایی و کاستن از اعتماد مردمی نظام،

سفیدشویی جنایات خاندان پهلوی.

نمایه‌ها: انتخابات آزاد، حقوق مردم، حق

حاکمیت.

شناسه شبیه

### متن شبیه

۱. آنچه در میهن ما به عنوان قانون اساسی جمهوری اسلامی ارائه شد، مجموعه‌ای از تضادها و ابهامات را در بر داشت. مرام‌نامه جماعتی شد که تنها پیروان یک فرقه مذهبی را به رسمیت شناخت و در عمل به ابزاری بدل گردید برای تمرکز تمامی قدرت در دست یک نفر به نام «ولی فقیه».

۲. بر پایه این قانون اساسی، عالی‌ترین مقام نظام، رهبر یا ولی فقیه است و تمام امور کشور زیر کنترل مطلقه او قرار دارد. رأی یا «حکم حکومتی» رهبر فراتر از قانون اساسی و بی‌اعتنا به خواست مردم، برای تمام ارکان حکومت «فصل الخطاب» است. بر همین اساس حق حاکمیت در این نظام دیکتاتوری مطلق بر پایه ایدئولوژی دینی است؛ مجموعه‌ای که ادامه حیات آن تنها از طریق ادامه تأمین رانت‌های حکومتی جناحی خاص میسر است.

۳. هرمرحله از انتخابات جمهوری اسلامی در هر سطحی دروغین، فرمایشی و نمایشی است.



چرا که شاخصه‌های برگزاری انتخابات در چارچوب قانون اساسی این نظام در تضاد با مصوبات و عرف بین‌المللی و مهم‌تر از همه، حق حاکمیت مردم است. روسای قوای سه گانه، نمایندگان مجلس، شورای نگهبان، فرماندهان نظامی و انتظامی، امامان جمعه، رئیس صدا و سیما و حتی نمایندگان مجلس خبرگان که مسؤولیت نظارت بر عملکرد خود «رهبر» را بر عهده دارند، مستقیم یا غیرمستقیم توسط «رهبر» برگزیده می‌شوند.

۴. افزون بر آن، حکومت اسلامی در طی عمر چهل ساله خود با نقض مستمر حقوق اساسی شهروندان، همچون آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی مطبوعات و آزادی احزاب، آزادی تشکل‌های صنفی و سازمان‌های غیر دولتی، حق انتخاب‌شدن و انتخاب‌کردن در یک فرایند آزاد، سالم و عادلانه را از شهروندان ایرانی سلب نموده است!

## پیشنهادها

### ■ پاسخ اجمالی:

۱. جالب‌ترین نکته این سخنان این است که از قلم کسی تراوش شده که خودش، پدرش و پدربزرگش، هیچ اعتقادی به حق حاکمیت مردم نداشته‌اند. حکومت فاسد پهلوی، با زور سرنیزه و حمایت همه جانبه انگلیس و آمریکا بر سر کار آمد و با وجود اقدامات فراوان این دولت‌ها برای جلوگیری از سقوط آن، توسط اکثریت قاطع ملت ایران به زیر کشیده شد. پهلوی اول و دوم با انواع روش‌های غیرانسانی، مانند ارباب، شکنجه، تبعید، تطمیع، سال‌ها بر گرده ملت سوار شده و حقوق ملت را پایمال نمودند. خاندان پهلوی، فاسدترین، بی‌ریشه‌ترین و خائن‌ترین خاندان شاهنشاهی در تاریخ ایران بوده‌اند. اکنون این فرد بی‌سواد، بی‌کار و رهبر خودخوانده اپوزیسیون، سال‌ها است منتظر سقوط جمهوری اسلامی و برپایی مجدد

نظام شاهنشاهی است؛ در عین حال، بی‌شرمانه، از حقوق ملت سخن می‌گویید!

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی توسط نخبگان منتخب ملت، تدوین و دو بار به تأیید اکثریت قاطع ملت ایران رسیده است. ادعای تضاد در قانون اساسی، ناشی از جهل یا غرض‌ورزی است. قانون اساسی هرکشور مبانی خاصی دارد که آن را از قوانین اساسی دیگر کشورها، متمایز می‌کند. به سبب اینکه اکثریت قاطع مردم ایران مسلمان و شیعه دوازده امامی هستند، مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از فقه شیعه جعفری گرفته شده است. بله، اگر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با مبانی قوانین اساسی کشورهای سکولار و لائیک (ضددین) مقایسه شود، تضادهایی به چشم می‌خورد، اما وقتی مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی در نظر گرفته شود، هیچگونه تضاد واقعی در بندهای قانون اساسی وجود ندارد. شیعه دوازده امامی، فرقه نیست؛ شیعه در حقیقت، اسلام، با قرائت اهل بیت علیهم السلام است. ۳. ادعای تمرکز قدرت در دست ولی فقیه، اتهام بی‌اساسی است که با هدف تخریب جایگاه رهبری نظام مطرح می‌شود. با وجود تصریح قانون اساسی به ولایت مطلقه فقیه، در جمهوری اسلامی، قدرت در میان قوا و نهادهای سیاسی توزیع شده و هیچکس، حتی ولی فقیه، قدرت مطلق، به معنای بی‌ضابطه و بدون قید و شرط، ندارد. مقصود از ولایت مطلقه، بی‌ضابطه و نامقید بودن قدرت ولی فقیه نیست؛ مقصود از قید مطلقه، این است که در شرایط خاص و استثنایی، که ساماندهی امور و حل مشکلات، با توسل به قوانین عادی ممکن نیست، ولی فقیه بر اساس مصالح و منافع ملی، می‌تواند فراتر از قوانین عادی، مشکل را حل و کشور را از بن‌بست خارج کند. چنین اختیاراتی معمولاً در همه سیستم‌های حکمرانی به شخص اول حکومت داده می‌شود و سازوکار ضروری

و عاقلانه‌ای است. اگر بنا باشد همه امور توسط قوانین عادی و از مسیر سازوکارهای معمول طی شود، در شرایط بحرانی، ممکن است کشور با خطرات و آسیب‌های فراوانی روبه‌رو شود. ادعای اینکه رأی‌ولی فقیه، بی‌اعتنا به خواست مردم و برای تأمین منافع اقلیت خاصی است، اتهام بی‌اساس و خنده‌داری است. ربع پهلوی گمان کرده که حکم حکومتی، همان حکم ملوکانه در رژیم‌های شاهنشاهی است! کافی است تاریخچه حکم‌های حکومتی امام خمینی و مقام معظم رهبری را از لحاظ، فراوانی، مبانی، دلائل و نتایج بررسی کنیم تا مشخص شود که همه این احکام در شرایط استثنایی و برای صیانت از حقوق ملت و حفظ کلیت جمهوری اسلامی صادر شده و معمولا با درخواست یکی از سران قوای کشور بوده است.

۴. قوانین و ساز و کار انتخابات در کشور ما شفاف و مشخص است. جمهوری اسلامی ایران در نسبت با عمر پربرکت خود، جزء کشورهایی است که تاکنون بیش‌ترین انتخابات را برگزار کرده است. انتخابات در جمهوری اسلامی، توسط معتمدان مردمی برگزار می‌شود و از سالم‌ترین انتخابات‌ها در میان همه کشورها است. در همه کشورها انتخابات طی چند مرحله انجام می‌شود و هم منتخبان و هم انتخاب‌کنندگان باید شرایط و صلاحیت‌های خاصی داشته باشند. متأسفانه شبهاتی که درباره سلامت یا مهندسی‌شدن انتخابات دستاویز ضدانقلاب شده، معمولا توسط برخی از اصلاح‌طلبان ساخته و پرداخته شده است. این خرده‌جریان سیاسی، که از ابتدای شکل‌گیری جمهوری اسلامی، همواره در قدرت سیاسی حضور آشکار یا پنهان داشته است، در صورتی که نتایج انتخابات طبق میل و خواست‌شان نباشد، شبهه مهندسی‌شدن و فرمایشی بودن انتخابات را مطرح می‌کنند؛ اما هرگاه نتایج به نفع آنان باشد، انتخابات را سالم و معتبر می‌دانند!

۵. شبهه انتخاب همه ارکان سیاسی کشور توسط رهبر به صورت مستقیم و غیرمستقیم، همان شبهه دور است که در پاسخ به شبهه اول، به آن پاسخ داده شد. ضمن اینکه بررسی فرایند اجرایی انتخابات و تجربه انتخابات‌های گوناگون در کشور، بی‌اساسی این شبهه را اثبات می‌کند؛ چراکه در ۴۴ سال گذشته معمولاً کسانی در قدرت سیاسی بوده‌اند که با فاصله کم یا زیاد، با نظرات و نگرش‌های رهبری مخالف بوده‌اند؛ چنانکه مروی گذرا بر ۱۳ دوره انتخابات ریاست جمهوری و ۱۱ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که قدرت سیاسی، بیش‌تر در اختیار افراد و جریان‌های زاویه‌دار با رهبری بوده است.

۶. ادعای نقض حقوق بشر از سوی جمهوری اسلامی، ادعای بی‌پایه و خنده‌داری است. به این سبب بی‌پایه است که معمولاً مواردی که به عنوان نقض حقوق بشر مطرح می‌شود، همان موارد اجرای احکام و قوانین اسلامی، مانند حجاب و غیره است و یا موارد معدودی است که در همه کشورها اتفاق می‌افتد و یا نوعی وارونه جلوه‌دادن واقعیت‌ها است. در جمهوری اسلامی ایران، آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی شرکت در تجمعات مسالمت‌آمیز و گروه‌ها و احزابی، که در چارچوب جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند، در حد مطلوبی وجود دارد. هم‌اکنون در کشور ما کسانی فعالیت اجتماعی و سیاسی دارند که نه تنها جمهوری اسلامی را قبول ندارند، بلکه آشکارا علیه آن فعالیت می‌کنند. این فعالیت‌ها تا آنجا که جنبه امنیتی پیدا نکند، تحمل می‌شود. اما خنده‌دار است، چون توسط کسی مطرح می‌شود که تبارش، انواع ظلم‌ها، جنایت‌ها، آدم‌کشی‌ها، فسادها و حق‌کشی‌ها را علیه کوچک و بزرگ این ملت به کار برده‌اند و نه خود این فرد و نه هیچ‌کدام از دیگر افراد فاسد این خاندان و منسوبان به آنان، هیچ‌گاه از آن عذرخواهی نکرده‌اند.

## ■ منابع جهت مطالعه:

- حامد اکبری، متن قوانین اساسی کشورهای جهان به همراه اسناد مهم بین المللی، شیراز: نوید شیراز
- محمدرضا باقرزاده، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم: نشر جامعه الزهرا
- نگارش قاسم زاده، حقوق اساسی، تهران: نشر دانشگاه تهران
- علی اکبر ازندریانی، بازنگری قانون اساسی، بازاندیشی در همنشینی قدرت و آزادی در جمهوری اسلامی، تهران: نشر نگاه معاصر
- محمد ملک زاده، مبانی دینی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- قاسم شعبانی، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی، تهران: نشر اطلاعات
- عباس کعبی، مبانی حقوقی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام
- محمدرضا موسوی جوردی و فیروز اصلانی، بررسی ماهیت حکم حکومتی از منظر فقه و حقوق و تبیین آن در قانون اساسی،
- محمود حکمت نیا، آزادی بیان، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

## ■ ایده‌هایی برای مقابله:

ساخت و انتشار هرچه بیشتر مستندهای سیاسی از اوضاع کشور در دوران پهلوی؛ ساخت مستندهایی درباره شخصیت و فعالیت‌های ضد میهنی رضا پهلوی؛ اطلاع‌رسانی هرچه بیشتر و دقیق‌تر درباره خدمات جمهوری اسلامی به کشور و ملت، در قالب فیلم، سریال، مستند، کتاب، بروشور و غیره؛ شفاف‌سازی هرچه بیشتر از روند تأیید یا عدم تأیید صلاحیت‌های نامزدهای انتخابات؛ تغییر قانون ممنوعیت انتشار مستندات رد صلاحیت داوطلبان از سوی شورای نگهبان؛ برگزاری مناظرات

تلویزیونی با مخالفان و موافقان نظارت استصوابی شورای نگهبان؛ ساخت مستند و موش‌گرافی با موضوع بررسی تطبیقی فرایند انتخابات در کشورهای مختلف؛ ساخت برنامه‌های گفتگو محور درباره تبیین شرایط قانونی و روندهای انتخاباتی در جمهوری اسلامی؛ تهیه و توزیع بوروشور، بولتن و جزوه‌های الکترونیکی پاسخ به شبهات انتخاباتی.

## انتخابات نمایشی

موضوع عام: انتخابات

موضوع خاص: انتخابات آزاد

نام شبهه‌کننده: مجهول

منبع انتشار شبهه: سایت زیتون

هدف‌های احتمالی: تضعیف نهاد انتخابات،

متهم ساختن نظام به تقلب و نقض حقوق ملت،

تضعیف جایگاه رهبری.

نمایه‌ها: انتخابات، رهبری، حقوق ملت،

انتخابات آزاد، انتخابات نمایشی.

شناسه شبهه

### متن شبهه

انتخابات در ایران طرحی کاملاً نمایشی و بی‌محتوا است. از قبل مشخص است که چه کسی باید از صندوق‌ها بیرون بیاید. همه چیز تابعی از تشخیص و خواست رهبری است و همه قوا و نهادهای دخیل در امر انتخابات هم برای تحقق منویات رهبر به صف می‌شوند. وقتی رهبر می‌گوید انتخابات باید فلان طور و فلان طور باشد، یعنی باید فلان طور و فلان طور بشود. مثلاً وقتی رهبر می‌گوید دولت آینده باید یک دولت جوان یا انقلابی باشد تا مشکلات کشور حل شود، یعنی همه دستگاه‌ها باید دست به کار شوند تا دولت آینده حتماً جوان یا انقلابی بشود و می‌شود!

### پیشنهادها

#### ■ پاسخ اجمالی:

۱. برخی از دشمنان خارجی و داخلی تلاش می‌کنند تا انتخابات در جمهوری ایران را نمایشی معرفی کنند. حال آنکه اساساً چنین اتهامی به نظام اسلامی و انتخابات آن وارد نیست؛ چرا که تمام اصول مردم‌سالاری و شرایط واقعی بودن، در انتخابات آن لحاظ شده است.

وجود برخی محدودیت‌ها در جانب انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان، در همه کشورهای مدعی مردم‌سالاری وجود دارد و در هیچ‌کدام، مانعی بر سر راه واقعی بودن انتخابات تلقی نمی‌شود؛ وگرنه باید بگوییم در هیچ کشوری، انتخابات واقعی وجود خارجی ندارد و انتخابات، حتی در کشورهای غربی که قبله آمال امثال شبهه‌کننده است، هم نمایشی و دروغین است.

۲. در جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر اصل نظام، که با رأی مردم انتخاب شده، در دیگر انتخابات‌ها نیز همه استانداردهای لازم برای واقعی و مردمی بودن رعایت شده و می‌شود. واقعی و آزاد بودن انتخابات چند ویژگی دارد:

**الف) به رسمیت شناخته شدن حق مردم در رأی دادن:** در بند ۸ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» به عنوان یکی از حقوق اساسی ملت در نظر گرفته شده است. بر اساس اصل ۶ قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید بها اتکا به آراء عمومی و از راه انتخابات اداره شود...» این اصل و اصول مشابه آن از این امر حاکی است که مردم حق دارند در انتخابات مختلف مشارکت کرده و از این طریق هم در سرنوشت سیاسی کشور خود سهیم باشند.

**ب) حق مردم در انتخاب شدن:** بر اساس اصول مختلف قانون اساسی، هر فردی که شرایط و صلاحیت‌های لازم برای تصدی مسئولیتی را دارد، حق دارد که خود را در معرض انتخاب دیگران قرار دهد و مردم با اعلام نظر خود در انتخابات، از میان افرادی که صلاحیت‌های لازم را دارا هستند، فرد اصلح خود را انتخاب می‌کنند. لزوم وجود شرایط خاص برای داوطلبان مناصب حاکمیتی در همه کشورهایی که انتخابات دارند، قانونی است. مثلاً در کشور فرانسه «داشتن ملیت فرانسوی، عدم محرومیت از حقوق مدنی در ارتباط با واجد شرایط بودن، داشتن سن ۱۸ سال تمام (تا سال ۲۰۱۱ سن تعیین شده برای



واجدان شرایط نامزدی، ۲۳ سال بود)، ثبت نام در لیست انتخاباتی، جمع‌آوری ۵۰۰ امضاء معرفی [از شهرداران، نمایندگان و مقامات فرانسوی] و ارائه گزارشی از اوضاع موروثی<sup>۱</sup> جزء شرایط داوطلبی ریاست جمهوری است. همانند ایران که وظیفه نظارت بر انتخابات به شورای نگهبان قانون اساسی محول شده، در کشور فرانسه، شورای قانون اساسی وظیفه نظارت بر انتخابات، شامل دریافت پرونده‌ها، انتشار لیست نامزدها، نظارت بر تطابق روند انتخابات با قوانین و اعلام نتایج انتخابات را بر عهده دارد.<sup>۲</sup>

**ج) برگزاری انتخابات از طریق ابزارهای کنترلی و نظارتی سالم:** در قانون اساسی نظارت بر اجرایی دقیق و سالم انتخابات بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است. به لحاظ نظری، نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، زمینه‌ساز انتخاباتی است که در آن صرفاً افراد با صلاحیت و کسانی که شرایط اولیه را دارا هستند، در فرایند رقابت حاضر شده و کسانی که تلاش می‌کنند تا به کمک پول، امکانات و جاذبه‌های تبلیغاتی رأی‌آوری کنند، فرصت و قدرت سوءاستفاده پیدا نکنند. از لحاظ عملی نیز حضور پرشور مردم در انتخابات‌های مختلف نشان می‌دهد که نظارت شورای نگهبان بر انتخابات نه تنها مانع حضور مردم نشده، بلکه اساساً یکی از عوامل اعتماد مردم به فرایند انتخابات بوده است.

حال که روشن شد همه ارکان واقعی بودن انتخابات در کشور ما وجود دارد، مشخص می‌شود که اتهام نمایشی بودن انتخابات، نوعی بلوف سیاسی و تبلیغاتی است. البته انتظار اینکه در تأیید صلاحیت افراد، سن، سابقه مدیریتی، ویژگی‌های اخلاقی، التزام به قانون اساسی و قوانین عادی کشور، نداشتن سوءسابقه و غیره در نظر گرفته نشود و هرکسی، هرچند شرایط تخصصی، اخلاقی، سیاسی و مذهبی را نداشته باشد،

۱. نگاهی به نحوه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه، خبرگزاری فارس.

۲. همان.

تأیید صلاحیت شود، انتظاری نابجا و غیرمنطقی است. هیچ سیستم سیاسی در جهان، اجازه ورود افراد فاقد صلاحیت‌های قانونی را به عرصه انتخابات نمی‌دهد و این امر منطق روشنی دارد؛ هرچند صلاحیت‌های قانونی در کشورهای مختلف، بسته به مبانی قانونی آن کشورها، متفاوت است.

۳. در جمهوری اسلامی، فرایند اجرای انتخابات و افرادی که در این فرایند ایفای نقش می‌کنند، به گونه‌ای طراحی شده که احتمال تقلب فاحش و تأثیرگذار، در حد صفر، و احتمال تخلف‌های انتخاباتی، به حداقل می‌رسد. نهادها و افراد دخیل در فرایند انتخابات عبارت است از: یک: شورای نگهبان در انتخابات مجلس، ریاست جمهوری، خبرگان و فرماندوم‌ها به عنوان ناظر. (در انتخابات شوراها، هیأت‌های نظارت بر انتخابات از سوی مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند) دو: هیأت‌های اجرایی، متشکل از معتمدان محلی، که اکثر آن‌ها فرهنگیان، اهل علم دانشگاهی و حوزوی و غیره هستند، به همراه مجریانی که اکثراً از میان معلمان برگزیده می‌شوند. سه: ناظران کاندیداها که بنابر قانون تا آخرین لحظه کار رأی‌گیری حق دارند در حوزه رأی‌گیری حضور داشته و بر فرایند انتخابات نظارت کنند. علاوه بر این سه گروه، برخی از بخش‌ها، مثل دادستانی کل کشور، دادستانی‌های حوزه‌های انتخابی، رئیس صدا و سیما، شورای نظارت بر صدا و سیما، وزارت اطلاعات و دیگر نهادها به تناسب نقشی که بر عهده دارند، بر فرایند انتخابات نظارت می‌کنند. روشن است که با وجود چنین فرایند و سازوکاری، هرچند همواره امکان تخلف‌های جزئی وجود دارد، اما امکان تقلب و یا تخلف گسترده وجود ندارد. به همین علت مردم همواره به نتایج انتخابات اعتماد داشته و فعالانه در انتخاب مشارکت داشته‌اند.

۴. یکی از دلایل و شواهد عینی و مهم واقعی و سالم‌بودن انتخابات در جمهوری اسلامی، حضور پررنگ سلیق سیاسی مختلف در انتخابات است. مرور

۴۴ سال برگزاری انتخابات در کشور نشان می‌دهد که همواره سلايق مختلف سياسي در عرصه رقابت مشارکت داشته و احيانا توانسته‌اند اعتماد مردم را جلب کنند. پنهان نيست که در بيش‌تر انتخابات‌هاي رياست جمهوري و مجلس، کساني رأی آورده‌اند که با نظرات و نگرش‌هاي رهبري و حوزه علميه همسويي کامل نداشته، بلکه گاهي ميان نگرش‌ها و گرايش‌هاي آن‌ها با رهبري و حوزه علميه، فاصله معناداري وجود داشته است.

۵. اين ادعا که وقتي رهبري ويژگي‌هايي را براي رئيس جمهور يا نمايندگان مجلس بيان مي‌کند، به اين معنا است که همه دستگاه‌ها بايد براي تحقق آن فعال شوند و حتماً و با هرقيمتي خواسته رهبري محقق شود، اتهام بي‌اساسي است. وظيفه رهبري هدايت جامعه به سمت ارزش‌ها، اهداف، برنامه‌ها و روش‌هايي است که مي‌تواند به حل مشکلات و بهبود شرايط کشور کمک کند. ديده‌گاه‌هاي رهبر معظم انقلاب اسلامي کاملاً شفاف و در دسترس همگان بوده است. همچنين همه ديدارها، سخنان و فعاليت‌هاي سياسي ايشان شفاف و همواره در دسترس مردم بوده است. برخلاف بسياري از سياستمداران، مقام معظم رهبري داراي منظومه فکري منسجم و مباني محکم و مدلل فکري هستند. مرور بيانات ايشان از پيش از پيروي انقلاب اسلامي تاکنون، نشان مي‌دهد که مواضع ايشان همواره بر اساس مباني انديشيده شده، منظم و منسجم بوده و کم‌ترين تغيير در اندیشه‌ها و تحليل‌هاي بنيادي ايشان مشاهده مي‌شود. نگرش ايشان درباره دکتري‌ها، راهبردها و ديگر ملزومات کلان پيشرفت کشور معمولاً ثابت بوده است؛ با اين وجود مي‌بينيم که در بسياري از انتخابات، جريان‌ها و افرادي رأی آورده‌اند که همخواني مطلوبي با نظرات و نگرش‌هاي ايشان نداشته‌اند. اين امر دليل روشني بر بي‌اساسي اتهام دخالت ايشان در انتخابات است.

## ■ منابع جهت مطالعه:

- مجید بزرگمهر، بررسی تطبیقی نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- امیر حسین علینقی، نظارت بر انتخابات و تشخیص صلاحیت داوطلبان، تهران: نشرنی
- عباس نیکزاد، پاسخ به شبهات نظارت استصوابی، بی جا، بی نا
- مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، مطالبات غیرقانونی: بازخوانی وقایع قبل و بعد از ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت
- میرقاسم بنی هاشمی، انتخابات و ثبات سیاسی و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشگاه شورای نگهبان
- محمدهادی زرافشان، مجموعه قوانین و مقررات انتخابات، تهران: پژوهشگاه شورای نگهبان
- حمید سائلی کرده ده، سیر تحول قوانین انتخاباتی مجالس ایران، تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

## ■ ایده‌هایی برای مقابله:

اطلاع‌رسانی هر چه بیش‌تر و دقیق‌تر درباره خدمات جمهوری اسلامی به کشور و ملت، در قالب فیلم، سریال، مستند، کتاب، بروشور و غیره؛ شفاف‌سازی هر چه بیش‌تر از روند تأیید یا عدم تأیید صلاحیت‌های نامزدهای انتخابات؛ تغییر قانون ممنوعیت انتشار مستندات رد صلاحیت داوطلبان از سوی شورای نگهبان؛ برگزاری مناظرات تلویزیونی با مخالفان و موافقان نظارت استصوابی شورای نگهبان؛ ساخت مستند و موش‌گرافی با موضوع بررسی تطبیقی فرایند انتخابات در کشورهای مختلف؛ ساخت برنامه‌های گفتگو محور درباره تبیین شرایط قانونی و روندهای انتخاباتی در جمهوری اسلامی؛ تهیه و توزیع بروشور، بولتن و جزوه‌های الکترونیکی پاسخ به شبهات انتخاباتی.

## در جمهوری اسلامی ایران انتخابات آزاد نداریم

موضوع عام: انتخابات

موضوع خاص: انتخابات آزاد

نام شبهه‌کننده: مجهول

منبع انتشار شبهه: شبّهات رسیده به مرکز

هدف‌های احتمالی: تضعیف شورای نگهبان،

نامید کردن مردم، ایجاد بدبینی نسبت به نظام

اسلامی، تضعیف انتخابات.

نمایه‌ها: انتخابات آزاد، شورای نگهبان،

جمهوری اسلامی.

شناسه شبهه

### متن شبهه

چگونه می‌گویید در ایران انتخابات آزاد است؛ در حالی که حکومت از شرکت مخالفان در رقابت‌های انتخاباتی مانع می‌شود. مثلاً گروه‌هایی مثل ملی - مذهبی‌ها، هنرمندان، فعالان فرهنگی و سیاسی، بسیاری از اصلاح‌طلبان توسط شورای نگهبان رد صلاحیت می‌شوند. همچنین بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و مدیران گذشته و حال کشور در انتخابات ریاست جمهوری اخیر رد صلاحیت شدند.

### پیشنهادها

#### ■ پاسخ اجمالی:

۱. داوری درباره آزادبودن یا نبودن انتخابات در ایران، بر مشخص شدن مقصود از مفهوم «انتخابات آزاد» و شاخصه‌های آن متوقف است؛ تا بر اساس آن بتوانیم کمیت و کیفیت آزادی در انتخابات‌های جمهوری اسلامی را بسنجیم.

درباره مفهوم انتخابات آزاد، چند برداشت قابل تصور است.

**برداشت اول:** مقصود از انتخابات آزاد، انتخاباتی است که در آن همه افراد، بدون در نظرگرفتن شرایط و ویژگی‌های خاص، بتوانند به عنوان نامزد ثبت نام کرده و بدون هرگونه بررسی و ارزیابی، اجازه ورود به عرصه انتخابات را پیدا کنند.

اشکال عمده این برداشت، علاوه بر غیرعقلانی بودن آن، این است که چنین انتخاباتی تاکنون در هیچ کشوری برگزار نشده است. در نتیجه هیچ کشوری تاکنون به این معنا، انتخابات آزاد نداشته است و اگر کسانی خواهان برگزاری انتخابات آزاد در ایران به این معنا هستند، امر ناممکنی را آرزو می‌کنند. همه عقلای عالم برای تصدی مسئولیت‌های مهم، شرایط ویژه‌ای را ضروری می‌دانند؛ تا افراد انتخاب شده بتوانند وظایف خود را به درستی انجام دهند و بر اثر بی‌کفایتی یا خیانت مدیران و صاحب‌منصبان، حقوق و منافع شهروندان پایمال نگردد. از این رو در همه کشورهای که رسیدن به مقامات سیاسی از طریق انتخابات صورت می‌گیرد، برای داوطلبان، شرایط خاصی را در نظر می‌گیرند. پس انتخابات آزاد نمی‌تواند به معنای بی‌قید و شرطی انتخابات باشد.

**برداشت دوم:** برداشت دوم از «انتخابات آزاد» به معنای فقدان نهاد و سازوکار نظارت بر انتخابات است. بر اساس این برداشت، انتخاباتی آزاد است که در فرایند اجرای انتخابات، از مرحله ثبت نام تا تأیید نتایج، هیچ نهاد نظارتی وجود نداشته باشد و نتیجه بازشماری آراء ریخته‌شده در صندوق‌ها هرچه بود، پذیرفته شود. از این رو در انتخابات‌های جمهوری اسلامی، چون شورای نگهبان در همه مراحل بر انتخابات نظارت می‌کند، انتخابات، آزاد نیست.

اشکال این برداشت این است که چون از لحاظ منطق حکمرانی، مجریان نمی‌توانند هم زمان بر کارهای خودشان نظارت کنند و به همین سبب احتمال بروز خطاها و تخلفات زیاد است، برای صیانت از قانون و

منافع مردم، همواره وجود نهادهایی برای نظارت بر روند امور از آغاز تا حصول نتایج، لازم و ضروری است. در همه کشورها، مسئولیت نظارت بر مراحل مختلف انتخابات بر عهده نهاد خاصی قرار دارد. بنابراین در همه کشورها وجود نهادها و سازوکارهای نظارتی وجود دارد و امری عقلایی، قانونی و متداول به شمار می‌رود. به عنوان مثال یکی از شرایط معتبر در همه نظام‌های حقوقی جهان این است که داوطلبان احراز پست‌های سیاسی نباید سابقه کیفری داشته باشند و افرادی که دارای سابقه کیفری هستند از برخی حقوق اجتماعی، از جمله انتخاب‌شدن برای مجالس تصمیم‌گیری، هیأت‌های منصفه، شوراها و غیره محروم‌اند. از شبهه‌کنندگان می‌پرسیم آیا وجود مرجعی برای احراز این شرط و شرایط مشابه، با آزادی انتخابات مغایر است؟! بنابراین نمی‌توان فقدان نهاد نظارت بر انتخابات را به عنوان شاخصه و معیار انتخابات آزاد بر شمرد؛ زیرا در این صورت، هیچ انتخاباتی، در هیچ کشوری انتخابات آزاد نخواهد بود.

**برداشت سوم:** برداشت سوم از انتخابات آزاد این است که همه افراد، حتی مخالفان با اصل نظام سیاسی و قانون اساسی هم در انتخابات نامزد شوند. پس اگر نظام سیاسی اجازه نداد برخی از افراد و گروه‌های مخالف و حتی برانداز، نامزد پست‌های سیاسی شوند، آن انتخابات، فرمایشی و ناسالم است!

اشکال چنین برداشتی این است که این نگرش نقض غرض از انتخابات است. اساسا انتخابات برای این است که با گردش نخبگان سیاسی و روی کارآمدن افراد با صلاحیت، لایق و وفادار به نظام و کشور و در نتیجه تقویت پایه‌های نظام سیاسی، کشور و نظام شرایط بهتر و مستحکم‌تری پیدا کند؛ در حالی که ورود نیروهای معاند، مخالف و ناوفادار به نظام و قانون اساسی،

موجب سست شدن پایه‌های نظام سیاسی و اختلال در حرکت کشور در عرصه‌های مختلف حکمرانی است. علاوه بر این اساسا معنای شرکت در عرصه انتخابات و نامزد شدن برای احراز مناصب سیاسی و مدیریتی به معنای پذیرش مشروعیت و مقبولیت اصل نظام، قانون اساسی و چارچوب‌ها و قواعد حاکم بر نظام سیاسی نظام سیاسی است و کسی که مخالف یا معاند با نظام سیاسی است، ضمن آنکه چنین اموری را قبول ندارد، همواره در صدد نابودی نظام سیاسی است و بسیار احمقانه است که نظام سیاسی، امور حکمرانی را به دست چنین کسی بسپارد.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «در هیچ جای دنیا به کسانی که به قانون اساسی و اصول آن کشور معتقد نیستند، اجازه نمی‌دهند در بخش حاکمیت وارد شوند. در کجای دنیا چنین اجازه‌ای داده می‌شود؟! آیا در آمریکا و انگلیس و جاهای دیگر به کسی که با اصول و ارزش‌های آمریکایی مخالف است، اجازه می‌دهند در رأس حکومت بیاید؟! شما می‌بینید در مبارزات انتخاباتی‌شان، اختلاف بین دو حزب و دو جناح بر سر چیزهای بسیار جزئی‌تر از این حرف‌ها است ... مگر در دنیای دموکراسی، اجازه می‌دهند که کسانی که با اصول و مبانی یک نظام مخالف‌اند، بیایند داخل حاکمیت آن نظام شوند؟! هیچ جای دنیا چنین اجازه‌ای نمی‌دهند. البته معلوم است که ما هم اجازه نمی‌دهیم کسانی که قانون اساسی را قبول ندارند، بیایند در رأس نظام جمهوری اسلامی قرار بگیرند»<sup>۲</sup>.

**برداشت چهارم:** برداشت چهارم از انتخابات آزاد، آزادی حضور احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی مختلف اما معتقد به مبانی و چارچوب‌های پذیرفته شده نظام سیاسی، با سلايق و برنامه‌های گوناگون، در عرصه انتخابات و رقابت سیاسی است. با توجه به غیرمنطقی بودن برداشت‌های اول تا سوم از معنای

۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان کرمان، ۸۴/۲/۱۹.



انتخابات آزاد، برداشت چهارم، تنها برداشت صحیح و منطقی از انتخابات آزاد است؛ زیرا در این نگرش، میدان برای حضور، فعالیت و رقابت احزاب و جریان‌های سیاسی، با سلايق و افکار مختلف، اما باورمند به اصول و مبانی حاکم بر نظام سیاسی، فراهم است و در این صورت مردم، کشور و نظام سیاسی از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود برای پیشرفت کشور استفاده می‌کنند.

۲. در جمهوری اسلامی ایران انتخابات آزاد به معنای اول، دوم و سوم وجود ندارد؛ اما انتخابات آزاد، به معنای چهارم وجود دارد. همه افراد مستقل یا متعلق به احزاب و جریان‌های سیاسی معتقد به نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی، می‌توانند نامزد شوند و در عرصه انتخابات فعالیت نمایند. احراز صلاحیت داوطلبان، توسط شورای نگهبان، چیزی جز احراز پایبندی به اصول و مبانی جمهوری اسلامی و قانون اساسی نیست. هرچند دشمنان و بدخواهان نظام جمهوری اسلامی چنین وانمود می‌کنند که وجود نظارت شورای نگهبان، سلامت و آزادی انتخابات را زیر سؤال می‌برد. مقام معظم رهبری در این باره می‌گویند: «در انتخابات، همه سلیقه‌ها و جریان‌های معتقد به جمهوری اسلامی باید شرکت کنند. این، هم حق همه است، هم وظیفه همه است. انتخابات مال يك سلیقه خاص، مال يك جریان فکری و سیاسی خاص نیست. همه کسانی که به نظام جمهوری اسلامی و به استقلال کشور معتقدند، به آینده کشور اهمیت می‌دهند، دل‌شان برای منافع ملی می‌سوزد، باید در انتخابات شرکت کنند. روگرداندن از انتخابات، مناسب کسانی است که با نظام اسلامی مخالف‌اند»<sup>۳</sup>. ایشان در تحلیل طرح «انتخابات آزاد» توسط رسانه‌های بیگانه و تکرار آن توسط برخی از افراد در داخل کشور، فرمودند: «هی نگویند انتخابات باید آزاد باشد. خب، معلوم است

که انتخابات، باید آزاد باشد. ما از اول انقلاب تا حالا سی و چند تا انتخابات داشته‌ایم؛ کدامش آزاد نبوده است؟! در کدام کشور دیگر، انتخابات از آنچه که در ایران می‌گذرد، آزادتر است؟! کجا صلاحیت‌ها ملاحظه نمی‌شود؟! که اینجا روی این مسائل هی تکیه بکنند، هی بگویند، هی تکرار کنند و یواش یواش این ذهنیت را به خیال خودشان در مردم به وجود بیاورند که خب، این انتخابات فایده‌ای ندارد! این یکی از خواسته‌های دشمن است. آن کسانی که در داخل، این حرف‌ها را می‌زنند، ممکن است غفلت کنند. من می‌گویم غفلت نکنید. حواس‌تان باشد که کار شما جدول مورد نظر دشمن را پر نکند! مقصود او را تکمیل و متمیم نکنند!<sup>۴</sup>

۳. البته قابل انکار نیست که در فرایند بررسی صلاحیت‌های لازم برای نامزدی انتخابات‌ها ممکن است خطا یا اختلاف نظر پیدا شود. بالاخره سیستم نظارت هرچه هم دقیق باشد، احتمال خطای انسانی یا تفاوت مبنا برای تعیین و تشخیص صلاحیت وجود داشته باشد. این امور که اساسا فراگیر هم نیست، نمی‌تواند به اعتبار و سلامت انتخابات آسیب رساند. قانون اساسی و قانون انتخابات کشور ساز و کارهای لازم برای پیشگیری و اصلاح موارد خطا و اختلاف نظر را تعیین کرده است. بدیهی است که همه باید به قانون و سازوکارهای قانونی تن داده و قانون را فصل الخطاب همه اعتراض‌ها و اختلاف نظرها بدانند؛ و گرنه همواره اختلاف، بدبینی و تعارض‌ها افزایش یافته و نظام سیاسی را تضعیف و به منافع ملی آسیب می‌زند. پیشرفت و تعالی کشور در گرو مشارکت همه افراد و گروه‌های وفادار به کشور و نظام در انتخابات است و وجود اشکالات جزئی، هرچند مطلوب نیست و باید برای رفع آن کوشید، اما نباید موجب تعارض و ستیز افراد و جریان‌ها شده و کلیت امنیت، منافع و مصالح کشور را در معرض مخاطرات قرار دهد.

۴. همان، بیانات در دیدار مردم استان قم، در سالروز قیام نوزده دی، ۹۱/۱۰/۱۹.

## ■ منابع جهت مطالعه:

- مجید بزرگمهر، بررسی تطبیقی نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- امیر حسین علینقی، نظارت بر انتخابات و تشخیص صلاحیت داوطلبان، تهران: نشر نی
- عباس نیکزاد، پاسخ به شبهات نظارت استصوابی، بی جا، بی نا
- مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، مطالبات غیرقانونی: بازخوانی وقایع قبل و بعد از ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت
- میرقاسم بنی هاشمی، انتخابات و ثبات سیاسی و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشگاه شورای نگهبان
- محمدهادی زرافشان، مجموعه قوانین و مقررات انتخابات، تهران: پژوهشگاه شورای نگهبان
- حمید سائلی کرده ده، سیر تحول قوانین انتخاباتی مجالس ایران، تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

## ■ ایده‌هایی برای مقابله:

شفاف‌سازی هرچه بیش‌تر از روند تأیید یا عدم تأیید صلاحیت‌های نامزدهای انتخابات؛ تغییر قانون ممنوعیت انتشار مستندات رد صلاحیت داوطلبان از سوی شورای نگهبان؛ برگزاری مناظرات تلویزیونی با مخالفان و موافقان نظارت استصوابی شورای نگهبان؛ ساخت مستند و موش‌گرافی با موضوع بررسی تطبیقی فرایند انتخابات در کشورهای مختلف؛ ساخت برنامه‌های گفتگو محور درباره تبیین شرایط قانونی و روندهای انتخاباتی در جمهوری اسلامی؛ تهیه و توزیع بروشور، بولتن و جزوه‌های الکترونیکی پاسخ به شبهات انتخاباتی؛ اطلاع‌رسانی هر چه بیش‌تر و دقیق‌تر درباره خدمات جمهوری اسلامی به کشور و ملت، در قالب فیلم، سریال، مستند، کتاب، بروشور و غیره.

## شورای نگهبان صلاحیت احراز صلاحیت علمی داوطلبان مجلس خبرگان را ندارد!

موضوع عام: انتخابات

موضوع خاص: شورای نگهبان

نام شبهه‌کننده: مجهول

منبع انتشار شبهه: شبها رسید به مرکز هدف‌های احتمالی: تضعیف شورای نگهبان، تضعیف انتخابات، ایجاد تردید در نتایج انتخابات مجلس خبرگان.

نمایه‌ها: شورای نگهبان، مجلس خبرگان، احراز صلاحیت علمی.

شناسه شبهه

### متن شبهه

در چهل سال عمر جمهوری اسلامی همواره درباره نقش شورای نگهبان در انتخابات بحث و جدل فراوان بوده است؛ به گونه‌ای که در حال حاضر نمی‌توان از عملکرد این شورا، به ویژه در موضوع نظارت بر انتخابات‌ها، دفاع کرد. بسیاری از صاحب نظران سیاسی و حقوقی معتقدند که علت عمده کاهش مشارکت سیاسی مردم، رفتار نادرست شورای نگهبان در رد صلاحیت گسترده داوطلبان بوده است. رفتار شورای نگهبان شائبه مهندسی انتخابات‌ها را در اذهان مردم پررنگ کرده است. این مسأله درباره احراز صلاحیت کاندیداهای مجلس خبرگان خیلی حساس‌تر است؛ زیرا اگر شائبه‌ای در احراز و عدم احراز صلاحیت‌های علمی داوطلبان مجلس خبرگان را باید به نهادهای غیرحاکمیتی مثل حوزه علمیه، اساتید مشهور و مراجع عظام سپرد تا اعتماد عمومی به احراز صلاحیت‌ها ایجاد و تقویت شود.

## پیشنهادها

### ■ پاسخ اجمالی:

۱. مجلس خبرگان رهبری، نهادی، مرکب از نمایندگان مردم است که چند کارویژه مهم را بر عهده دارد. مهم‌ترین کارویژه مجلس خبرگان، معرفی فرد واجد شرایط رهبری، در صورت فوت یا عزل رهبر و نظارت بر تداوم شرایط الزامی رهبر کنونی است. از آنجایی که وظیفه تشخیص و معرفی فقیه جامع الشرایط برای تصدی منصب رهبری در عصر غیبت، بر عهده مجلس خبرگان است و تشخیص شرایطی، چون فقاقت، عدالت، بینش سیاسی و غیره، به ویژه شرط نخست، کار فنی و تخصصی است و تنها از عهده فقیهان بر می‌آید، نمایندگان مجلس خبرگان باید از میان فقیهان انتخاب شوند. بنابر این داوطلبان ورود به مجلس خبرگان رهبری، لازم است پیش از شرایط دیگر، از شرط فقاقت برخوردار باشند. ضرورت وجود چنین شرطی، در ماده ۳ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری و نیز ماده ۱۱ آئین‌نامه اجرایی آن به صراحت ذکر شده است. لازمه وجود چنین شرطی، این است که پیش از ورود کاندیدها به عرصه رقابت، فقاقت‌شان توسط نهاد دارای صلاحیت احراز گردد. از طرف دیگر بر اساس اصل ۱۰۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (قانون مربوط به تعداد، شرایط خبرگان و کیفیت انتخاب آن‌ها)، تنظیم و تصویب آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری، پس از تشکیل اولین دوره مجلس خبرگان، بر عهده خود نمایندگان آن مجلس است. به همین دلیل نمایندگان مجلس خبرگان در آئین‌نامه داخلی خود وظیفه احراز صلاحیت کاندیدهای مجلس خبرگان را بر عهده شورای نگهبان گذاشته شود.

علاوه بر این برخی معتقدند اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران<sup>۱</sup>، وظیفه تشخیص شرایط لازم

۱. شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری،

برای داوطلبی مجلس خبرگان رهبری را بر عهده شورای نگهبان گذاشته است.<sup>۲</sup> به عنوان مثال یکی از محققان با تفاوت‌گذاری میان «تعیین شرایط» و «تشخیص شرایط»، معتقد است اصل ۱۰۸ قانون اساسی به تعیین شرایط مربوط است، که بر عهده خود مجلس خبرگان گذاشته شده، ولی اصل ۹۹ قانون اساسی به تشخیص شرایط داوطلبی مجلس خبرگان مربوط است و قانون آن را بر عهده شورای نگهبان گذاشته است. اصل یک صد و هشتم بدین صورت است: «قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آن‌ها و آیین‌نامه داخلی جلسات ... و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان، در صلاحیت خود آنان است»، بنابر این «تعیین شرایط» با «تشخیص شرایط»، متفاوت است و مرجع رسیدگی به آن‌ها نیز متفاوت خواهد است. تعیین شرایط، در حقیقت، قانون‌گذاری و تشخیص شرایط، کاری نظارتی است. مجلس خبرگان و هیچ نهاد دیگری، حق تشخیص صلاحیت خود را ندارد؛ زیرا چنین امری با فلسفه نظارت سازگار نیست. در تشخیص شرایط وجود یا فقدان شرایط بررسی می‌شود، ولی در تعیین شرایط، اصل شرایط، تعیین و تصویب می‌شود»<sup>۳</sup>.

۲. ممکن است برخی اینگونه اشکال کنند که نظارت گفته شده در اصل ۹۹ قانون اساسی، یا مبهم است و یا صرفاً شامل نظارت بر اصل انتخابات بوده و بنابر این شورای نگهبان وظیفه‌ای در تأیید یا رد صلاحیت کاندیداها ندارد. در پاسخ این اشکال، گفتنی است: با توجه به اینکه قانون اساسی، وظیفه رفع ابهام از اصول قانون اساسی و به تعبیر بهتر، تفسیر اصول قانون اساسی را بر عهده شورای نگهبان گذاشته است<sup>۴</sup>، به جای تفسیر شخصی، منطقی‌ترین کار این است که به نظرات تفسیری قانون

---

مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد.  
۲. به عنوان مثال رک: احمد مرتضایی، بررسی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات خبرگان، مجله معرفت حقوقی، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۰.

۳. همان.

۴. رک: اصل ۹۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

اساسی مراجعه شود. بر همین اساس، شورای نگهبان معتقد است «نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی، استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات، از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می‌شود.»<sup>۵</sup> بنابر این بر اساس اصل ۹۹ و اصل ۱۰۸ قانون اساسی، به ضمیمه آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان، می‌توان چنین استنتاج نمود که وظیفه تشخیص صلاحیت کاندیداهای مجلس خبرگان رهبری، بر عهده شورای نگهبان است.

البته شورای نگهبان، اگر چه وظیفه اصلی تأیید صلاحیت داوطلبان مجلس خبرگان را بر عهده دارد، اما برای این امر از مراجع مختلف دارای صلاحیت کمک می‌گیرد. از جمله برای احراز صلاحیت‌های عمومی داوطلبان، از گزارش‌های نهادهای انتظامی، قضائی، اطلاعاتی و امنیتی بهره گرفته می‌شود. این شورا طبق قانون قبلی، برای احراز صلاحیت علمی کاندیداها، از روش‌های مختلفی استفاده می‌کرد. به عنوان مثال، گواهی سه نفر از استادان معروف درس خارج حوزه‌های علمیه<sup>۶</sup>، تأیید ضمنی و یا تصریح به اجتهاد فردی از سوی مقام معظم رهبری، و اشتها فرد به اجتهاد در مجامع علمی یا در بلاد از روش‌هایی است که پیش‌تر برای احراز صلاحیت‌های علمی داوطلبان استفاده می‌شد.<sup>۷</sup> اما در ادوار بعد، مرجع تشخیص صلاحیت علمی، در فقهای شورای نگهبان منحصر گردید<sup>۸</sup> و تنها کسانی که مقام معظم رهبری، به صورت ضمنی یا صراحتاً اجتهاد آنان را تأیید کند، به تأیید صلاحیت علمی شورا نیازی ندارند. به

۵. پایگاه اطلاع‌رسانی شورای نگهبان:

<https://www.shora-gc.ir/fa/news/1796/>

۶. تبصره ۱ ماده ۲ قانون انتخابات و آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری، پایگاه اطلاعات قوانین و مقررات کشور:

<http://www.dastour.ir/brows/?lid=105951>

۷. قانون اصلاح و تکمیل آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری:

<http://www.dastour.ir/brows/?lid=108929>

۸. تبصره ۱ ماده ۳ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری، سایت اطلاع‌رسانی شورای نگهبان:

<https://www.shora-gc.ir/fa/news/1966/>

همین سبب شورای نگهبان نسبت به برگزاري امتحان اجتهاد از داوطلبان اقدام می‌کند.

حال برخی مانند شبهه‌کننده حاضر، با استناد به قانون پیشین بررسی و احراز صلاحیت داوطلبان انتخابات مجلس خبرگان، به روش کنونی شورای نگهبان برای تأیید صلاحیت علمی داوطلبان انتقاد می‌کنند؛ در حالی که با تأمل بیش‌تر و در نظر گرفتن تجربیات به دست آمده از انتخابات نخستین دوره مجلس خبرگان، که تأیید صلاحیت‌ها با روش‌های مندرج در قانون قبلی صورت گرفت، بررسی صلاحیت علمی افراد توسط شورای نگهبان، به جای حواله دادن آن به نهادهای دیگری مانند حوزه‌های علمیه و یا اشخاص خارج از نهادهای رسمی، مثل علمای بلاد، مزایایی بیش‌تر و معایب کم‌تری دارد. در ادامه به برخی از مزایای قانون جدید اشاره می‌شود:

الف) عدم وجود ضرورت برای واگذاری تعیین صلاحیت علمی افراد، به مراجع دیگر و کفایت شورای نگهبان برای رسیدگی به این مساله؛ از آنجا که فقهای شورای نگهبان، خودشان مجتهد بوده و توان تشخیص فقیه از غیر فقیه را دارند، ارجاع این کار به مراجع دیگر، ضرورتی ندارد.

ب) برخورداری شورای نگهبان از تشکیلات اداری و نیروی انسانی متخصص مورد نیاز برای اعمال هرگونه ساز و کار تشخیصی و نظارتی در امر انتخابات؛ در حالی است که مراجع نظارتی دیگر عمدتاً چنین امکاناتی را در اختیار ندارند.

ج) لزوم وجود یک مرجع واحد و معین برای تشخیص و تعیین صلاحیت‌ها، تا همه داوطلبان از طریق واحد و یکسانی ارزیابی شوند. در حالی که نهادهایی مانند حوزه علمیه و یا اساتید مشهور و امثال آن، عناوین کلی، عام و غیرمشخص است و به همین دلیل نمی‌تواند ملاک، میزان و امتیاز مشخصی برای صحت‌سنجی آزمون‌هایی که از سوی این گونه مراجع در نظر گرفت. در نتیجه ممکن است افرادی با قابلیت‌های علمی قابل قبول برای نمایندگی خبرگان، تأیید نشده و در مقابل افرادی با



سطح پایین علمی تأیید شوند.

د) شورای نگهبان نهادی حاکمیتی است و قانون می‌تواند وظایفی مانند بررسی صلاحیت علمی داوطلبان انتخابات مجلس خبرگان را به آن واگذار کند و در صورت واگذاری قانونی تشخیص صلاحیت‌ها به شورای نگهبان، این نهاد حق تخطی از قانون و واگذاری تکالیف قانونی خود به نهادهای دیگر را ندارد.

بنابراین به نظر می‌رسد بهترین راهکار این است که مراحل تشخیص و تأیید صلاحیت‌های علمی بر عهده خود شورای نگهبان باشد تا این شورا با بهره‌گیری از روش‌های یکسان، جامع و عادلانه صلاحیت‌ها را بررسی کند. البته شورای نگهبان می‌تواند روش‌های مختلف معتبری را برای تشخیص صلاحیت علمی داوطلبان به کار گیرد؛ به همین سبب استفاده از ظرفیت استادان تراز اول حوزه علمیه در صورت لزوم، امکان‌پذیر است.

#### منابع جهت مطالعه:

- سید احمد مرتضایی، نظارت استصوابی یا استطلاعی: بررسی فقهی - حقوقی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰
- محمد فدوی و کاظم کوهی اصفهانی، اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴
- جمعی از اساتید و صاحب نظران، مجلس خبرگان رهبری، جایگاه، عملکرد و شرایط اعضاء، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۵
- مجموعه قوانین و مقررات انتخابات: مشتمل بر اصول قانون اساسی و نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان، قوانین و مقررات مربوط به همه پرسی و انتخابات مجلس خبرگان رهبری، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴
- کلمه نخست، مجلس خبرگان رهبری از دیدگاه قانونگذار، مجله حکومت اسلامی، شماره ۴۱، پاییز ۱۳۸۵

• صمصام الدین قوامی، مبانی فقهی مجلس خبرگان رهبری، مجله حکومت اسلامی، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۸۵

• علیرضا سایبانی و دیگران، بررسی جایگاه مجلس خبرگان در قانون اساسی، مجله پژوهش ملل، شماره ۱۵، اسفند ۱۳۹۵

• غلامحسین الهام و دیگران، بررسی و تحلیل بایسته‌های ساختاری مجلس خبرگان با رویکرد هدف‌گرا، مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۰۰، تابستان ۱۴۰۰

• سید احمد مرتضایی، بررسی شرایط نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس خبرگان، اندیشه‌های حقوق عمومی، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۰

• محسن ولایتی، ماهیت فقهی - حقوقی انتخاب رهبر توسط مجلس خبرگان، حکومت اسلامی، شماره ۷۳، تابستان ۱۳۹۰.

#### ■ ایده‌هایی برای مقابله:

شفاف‌سازی هرچه بیش‌تر از روند تأیید یا عدم تأیید صلاحیت‌های نامزدهای انتخابات؛ تغییر قانون ممنوعیت انتشار مستندات رد صلاحیت داوطلبان از سوی شورای نگهبان؛ برگزاری مناظرات تلویزیونی با مخالفان و موافقان نظارت استصوابی شورای نگهبان؛ ساخت مستند و موش‌گرافی با موضوع بررسی تطبیقی فرایند انتخابات در کشورهای مختلف؛ ساخت برنامه‌های گفتگو محور درباره تبیین شرایط قانونی و روندهای انتخاباتی در جمهوری اسلامی؛ تهیه و توزیع بوروشور، بولتن و جزوه‌های الکترونیکی پاسخ به شبهات انتخاباتی.

## چرا نباید در انتخابات تحت حاکمیت جمهوری اسلامی شرکت کرد؟

موضوع عام: انتخابات

موضوع خاص: پیش‌شرط‌های انتخابات

دموکراتیک

نام شبهه‌کننده: مجهول

منبع انتشار شبهه: گویانیوز

هدف‌های احتمالی: تضعیف مشروعیت

جمهوری اسلامی، تردید در سلامت و کارایی

انتخابات، معیارسازی دموکراسی سرمایه‌داری.

نمایه‌ها: جمهوری اسلامی، انتخابات،

دموکراسی، بورژوازی.

شناسه شبهه

### متن شبهه

۱. نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران هیچ گونه تناسبی با دموکراسی بورژوازی ندارد؛ چرا که حداقل پیش‌شرط‌های لازم برای انتخابات «دمکراتیک»، یعنی آزادی و حق ایجاد یا مشارکت در تشکل‌های مدنی در جامعه موجود نیست.

۲. در جمهوری اسلامی مردم برای انتخاب فرد مورد نظر، با فیلتری به نام «شورای نگهبان»، یعنی نهادی انتصابی رو به رو هستند که طبق قانون اساسی، اجازه برگزاری یک انتخابات آزاد و دموکراتیک را از مردم ایران می‌گیرد.

### پیشنهادها

#### ■ پاسخ اجمالی:

۱. در جهان امروز، دموکراسی و مردم‌سالاری، به عنوان نوعی شیوه حکمرانی مطرح است. تاکنون برای دموکراسی ده مدل متفاوت بر شمرده‌اند. وجود

۱. محمد جواد لاریجانی، تدین، حکومت و توسعه، موسسه فرهنگی اندیشه معاصر، ص ۲۶۶.

مدل‌های گوناگون از دموکراسی، به این علت است که دموکراسی، برخلاف لیبرالیسم، نوعی فلسفه زندگی نیست؛ بلکه شیوه‌ای برای انتخاب حاکمان و حکمرانی است.<sup>۲</sup> از این رو مردم‌سالاری، صرفاً در نظام‌های لیبرال - دموکراسی منحصر نیست، تا به این سبب، مردم‌سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی، دموکراسی به شمار نیاید. حتی در نظام‌های لیبرال - دموکراسی هم شکل انتخاب حاکمان و شیوه حکمرانی تا حدودی با هم متفاوت است. بنابر این اگرچه مردم‌سالاری دینی در جمهوری اسلامی این تشابه مهم را با دموکراسی‌های رایج دارد که اصل نظام سیاسی، ساختارها، فرایندها و چرخش امور با اتکا به آراء عمومی، ایجاد و صورت می‌گیرد، اما به سبب تفاوت فلسفه سیاسی نظام‌های لیبرال با نظام جمهوری اسلامی در مبانی، ارزش‌ها، دکترین‌ها، راهبردها، نهادها و برنامه‌های سیاسی و غیره، مردم‌سالاری دینی با مردم‌سالاری لیبرالیستی تفاوت‌های جدی و عمیقی دارد. مردم‌سالاری دینی بر مبنای اسلام و موازین اسلامی است. «مردم‌سالاری دینی به معنای ترکیب دین و مردم‌سالاری نیست؛ بلکه یک حقیقت واحد در جوهره نظام اسلامی است؛ چرا که اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند، بدون مردم نمی‌شود؛ ضمن آنکه تحقق حکومت مردم‌سالاری واقعی هم بدون دین امکان پذیر نیست.»<sup>۳</sup> از این رو جمهوری اسلامی، «جمهوری است، برای اینکه به آرای اکثریت مردم متکی است و اسلامی است برای اینکه قانون اساسی‌اش عبارت است از قانون اسلام.»<sup>۴</sup>

۲. در جمهوری اسلامی، تحقق حاکمیت سیاسی و امور حکمرانی، متکی به آرای عمومی است.<sup>۵</sup> این امر مهم

۲. حسین بشیریه، لیبرالیسم و محافظه‌کاری، نشر نی، ۱۳۷۸، ص ۲۲.

۳. مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار با اعضای شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت، ۷۹/۱۰/۱۳، (به نقل از کتاب نظام و مردم سالاری دینی از دیدگاه مقام معظم رهبری) انتشارات سطر، ص ۱۴.

۴. امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۱۴۸.

۵. همان، ص ۱۵۵.

در اصل ششم قانون اساسی<sup>۶</sup> و نیز در اصل پنجاه و ششم<sup>۷</sup> تبلور یافته است. طبق این اصل، ملت حق حاکمیت بر سرنوشت خویش را از طریق که اصول پسین بیان می‌کند، اعمال خواهد کرد. طبق اصل چهارم قانون اساسی<sup>۸</sup> حق خداداد حاکمیت بر سرنوشت خویش، باید به قوانین و موازین اسلامی محدود باشد. پس همان طور که در «نظریات دموکراتیک معاصر (لیبرال - دموکراسی)»، صرف مفهوم حاکمیت مردم و اصل حکومت اکثریت، برای پیدایش دموکراسی کافی نیست و برای تکمیل آن، بر اصل محدودیت و مشروطیت قانونی حکومت، تأکید می‌شود»<sup>۹</sup>، در جمهوری اسلامی ایران نیز حاکمیت مردم بر سرنوشت خود، مطلق نیست؛ بلکه به مبانی و احکام اسلامی محدود است.

۳. در ارتباط با چگونگی تناسب و سازگاری نظارت استصوابی با مردم‌سالاری توجه به چند نکته شایسته است:

نکته اول: نظارت در راستای انجام وظایف قانونی شورای نگهبان، که همان حفظ جمهوریت و اسلامیت نظام است، صورت می‌گیرد. چرا که حفظ جمهوریت و اسلامیت مستلزم نظارت بر اعمال کارگزاران نظام و تأیید صلاحیت داوطلبان مناصب سیاسی است و اگر چنین نظارتی نباشد، اصل عدالت، شایسته‌سالاری و سلامت حکمرانی آسیب می‌بیند. نظارت مؤثر شورای نگهبان بر مراحل انتخابات بر اساس اصل ۹۹ و ۹۸ قانون اساسی<sup>۱۰</sup>

۶. اصل ششم، ق.ا.۱: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود...».

۷. اصل پنجاه و ششم ق.ا.۱: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است ... و ملت این حق خداداد را از طریق که در اصول بعدی می‌آید اعمال میکند.».

۸. اصل چهارم ق.ا.۱: «کلیه قوانین و مقررات ... باید بر اساس موازین اسلامی باشد این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است.».

۹. حسین بشیریه، همان، ص ۲۷.

۱۰. اصل نود و نهم، ق.ا.۱۱: «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه پرسشی را به عهده دارد» و این نظارت با تفسیر شورای نگهبان نظارت

و تصریح ماده ۳ قانون انتخابات مجلس (مصوبه ۱۳۷۴/۵/۶) انجام می‌شود.

نکته دوم: در نظامی که بر اساس تفکیک قوا سامان یافته، قوه مجریه با در اختیار داشتن بیشترین امکانات کشور، قسمت عمده امور مربوط به زمامداری و کارگزاری را اعمال می‌کند. به همین سبب امکان بروز آسیب‌های بیش‌تری از سوی این قوه علیه حقوق و آزادی‌های مردم و نقض قانون اساسی وجود دارد!؛ از این رو نظارت استصوابی، به عنوان ساز و کار منطقی و قانونی برای جلوگیری از تخطی مجریان برگزاری انتخابات در نظر گرفته شده است. شورای نگهبان قانون اساسی جزئی از قوه مقننه است و اعمال نظارت مؤثر بر فرایند انتخابات از سوی این شورا، در حقیقت، نظارت قوه مقننه بر مجریان و مسئولان امور مربوط به انتخابات و پاسخگو کردن آنان در این امر است.

نکته سوم: همانگونه که در اصل دوم (بند ششم) و اصل سوم (بند هفتم) قانون اساسی آمده است، آزادی در فلسفه سیاسی اسلام، «آزادی توأم با مسئولیت» و «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» صورت می‌گیرد. مبانی قانون اساسی و قوانین عادی، از جمله قانون انتخابات، بر پایه موازین اسلامی و با هدف رسیدن انسان‌ها به سعادت و کمال انسانی است. همچنین بنابر اصل نهم قانون اساسی «هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کم‌ترین خدشه‌ای وارد کند» و از این رو بایسته است که نهادی حاکمیتی با نظارت استصوابی بر انتخابات، در عین محافظت از آزادی‌های مشروع، صلاحیت افرادی را که برای نمایندگی مردم در مجالس خبرگان رهبری و شورای اسلامی و ریاست جمهوری

---

استصوابی می‌باشد. اصل نود و هشتم ق ۱۱: «تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود».

۱۱. محمدرضا مرندي، پاسخ به شبهات درباره نظارت استصوابی، کیهان، مورخ ۸۱/۱۱/۹.

داوطلب می‌شوند، احراز نموده و از ورود کسانی که به دلائل قانونی صلاحیت ورود به مجالس و مناصب مذکور را ندارند، جلوگیری کند. قانون اساسی این امر مهم را بر عهده شورای نگهبان قرار داده است. بدیهی که چنین امری نه تنها به آزادی‌های اساسی مردم، از جمله آزادی انتخاب شدن و انتخاب کردن، آسیبی وارد نمی‌کند، بلکه اساساً در راستای صیانت از حقوق و آزادی‌های مردم صورت می‌گیرد.

نکته چهارم: در این تردیدی نیست که در نظام مردم‌سالاری دینی، حاکمان، اعم از قانونگذاران و مجریان قانون، باید از صلاحیت‌های کافی برای احراز مناصب سیاسی برخوردار باشند و این صلاحیت‌ها بر پایه قانون اساسی و مبتنی بر اصول و احکام اسلامی تعریف می‌شود. بنابر این صرف وجود شروط شهروندی، سن و عدم سوء‌پیشینه قضایی، کافی نیست و شرایط اخلاقی، دینی و تخصصی نیز لازم است. قرارگرفتن در مناصب سیاسی مستلزم دارا بودن شرایط عمومی و تخصصی است.<sup>۱۲</sup> به همین سبب نظارت مؤثر شورای نگهبان بر فرایند انتخابات اجتناب‌ناپذیر است. در همه نظام‌های سیاسی، نهاد خاصی به عنوان ناظر بر انتخابات تعیین شده و صحت نتایج انتخابات بر تأیید آن از سوی نهاد مذکور متوقف است.

#### ■ منابع جهت مطالعه:

- احمد مرتضایی، پاسخ به شبهات «نظارت استصوابی» با رویکرد فقهی، مجله حکومت اسلامی، شماره ۵۵، بهار ۱۳۸۹
- میثم اسلام پناه، واکاوی نظارت استصوابی شورای نگهبان در انتخابات، مجله مطالعات علوم سیاسی،
- سیاسی، حقوق و فقه، سال دوم، شماره ۱، ۱۳۹۵
- احمد مرتضایی، بررسی دیدگاه منتقدان نسبت به تفسیر نظارت استصوابی، مجله معرفت، شماره ۱۴۸، فروردین ۱۳۸۹

- مجید بزرگمهر، بررسی تطبیقی نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- امیر حسین علینقی، نظارت بر انتخابات و تشخیص صلاحیت داوطلبان، تهران: نشر نی
- عباس نیکزاد، پاسخ به شبهات نظارت استصوابی، بی جا، بی نا
- محمد ملک زاده، مبانی دینی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- قاسم شعبانی، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی، تهران: نشر اطلاعات.

#### ■ ایده‌هایی برای مقابله:

شفاف‌سازی هرچه بیش‌تر از روند تأیید یا عدم تأیید صلاحیت‌های نامزدهای انتخابات؛ تغییر قانون ممنوعیت انتشار مستندات رد صلاحیت داوطلبان از سوی شورای نگهبان؛ برگزاری مناظرات تلویزیونی با مخالفان و موافقان نظارت استصوابی شورای نگهبان؛ ساخت مستند و موش‌گرافی با موضوع بررسی تطبیقی فرایند انتخابات در کشورهای مختلف؛ ساخت برنامه‌های گفتگو محور درباره تبیین شرایط قانونی و روندهای انتخاباتی در جمهوری اسلامی؛ تهیه و توزیع بوروشور، بولتن و جزوه‌های الکترونیکی پاسخ به شبهات انتخاباتی.



## چرا جمهوری اسلامی، جمهوری نیست؟

شناسه شبهه

موضوع عام: انتخابات

موضوع خاص: مبانی انتخابات

نام شبهه‌کننده: احمد تاج‌الدینی

منبع انتشار شبهه: سایت ایران گلوبال:

iranglobal.info

هدف‌های احتمالی: تضعیف نهاد انتخابات،

تضعیف ولایت فقیه، متهم ساختن نظام به دیکتاتوری، کاستن از انگیزه مشارکت سیاسی.

نمایه‌ها: جمهوری اسلامی، انتخابات، ولایت فقیه، قانون اساسی، رأی مردم.

### متن شبهه

نظام حاکم بر ایران جمهوری نیست؛ زیرا حاکمیت به جمهور مردم تعلق ندارد. جمهوری اسلامی بنا به تعریف قانون اساسی نظام اسلامی - اصل اول - نوعی حکومت است: بر پایه ایمان به: ۱- خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح (= قانون‌گذاری) به او و لزوم تسلیم در برابر اوامر او. ۲- وحی الهی و نقش بنیادین آن در بیان قوانین. بنابر چنین برداشتی از منشاء قدرت و تعلق آن به خدا، دیگر حاکمیت ملت و یا مردم (انتخابات) محلی از اعراب ندارد. کلیه قوانین و مقررات به طور مطلق باید در انطباق با قوانین شرع باشد. اصل ۴ قانون اساسی نظام اسلامی نفی اراده مردم در قانون‌گذاری را چنین تصریح کرده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیره باید بر اساس موازین اسلامی باشد.» این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است.

به این ترتیب دیگر جای تردیدی باقی نمی‌ماند که اراده مردم از طریق انتخابات، که در نهایت به صورت قانون ظاهر می‌شود، در نظام اسلامی مطلقاً محل بروز و ظهور پیدا نمی‌کند.

قوای سه‌گانه مملکتی در جمهوری اسلامی که ریاست جمهوری اسلامی جزئی از آن است، دارای اصالت بالذات نیست. به این دلیل که این قوا قدرتشان را از اراده آزاد ملت از طریق انتخابات نمی‌تواند کسب کند. این قوای سه‌گانه و رئیس‌جمهور در خدمت نهاد و قدرتی هستند که ولایت فقیه به آن‌ها اعطا کرده و آن‌ها متقابلاً مکلف به اطاعت از منشأ قدرت خود - ولی فقیه - اند. اصل ۵۷ قانون اساسی رژیم به وضوح تکلیف این قوای طفیلی را روشن کرده است: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوای مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردد. منظور از اصول آینده اصول ۱۰۷ تا ۱۱۲ قانون اساسی است که بدون ابهام، اختیارت نامحدود ولایت فقیه را در کلیه امور سیاسی، نظامی و اقتصادی و قانون‌گذاری تشریح کرده‌اند.

## پیشنهادها

### ■ پاسخ‌اجمالی:

۱. جمهوری اسلامی ایران، بر پایه خواست و حمایت پیوسته اکثریت قاطع مردم ایران شکل گرفته است. جمهوری اسلامی، هم جمهوری است و هم اسلامی؛ جمهوری است؛ زیرا شکلگیری آن با خواست، مجاهدت و همراهی مردم بوده و اصل نظام و همه نهادهای سیاسی، به صورت مستقیم و غیرمستقیم برآمده از رأی مردم است. اما اسلامی است؛ زیرا در جمهوری اسلامی، قانونگذاری، نهادسازی، تصمیم‌سازیه‌ها و تصمیم‌گیریه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باید بر اساس مبانی و احکام اسلامی صورت گیرد.

۲. جمهوری اسلامی ایران، نظامی توحیدی است و مقبولیت آن از ایمان مردم ایران به اسلام سرچشمه گرفته است؛ به این معنا که مبانی نظری نظام اسلامی، همان مبانی توحیدی اسلام است. بنابر جهان‌بینی اسلامی، الله آفریننده و خداوندگار جهان و انسان است و همو تنها کسی است که حق تدبیر و تصرف در آفریده‌های خود را دارد. ولی مطلق، خدا است و جز او هیچکس بر دیگری ولایت (حق تدبیر و امر و نهی) ندارد؛ مگر کسی که خداوند اذن داده تا بر دیگری یا دیگران حکم براند. بر اساس آیات قرآن، روایات معتبر، سنت عملی پیامبر و داده‌های عقلی و عقلایی، خداوند به انسانها اذن داده تا بر سرنوشت خود حاکم شده و امور فردی و اجتماعی خود را سامان دهند. به همین سبب، مبنای مردم‌سالاری دینی، حقوق طبیعی نیست؛ بلکه حق خدادادی است که از سوی الله به انسانها اعطا شده و مردم ایران هم بر اساس همین حق الهی، نظام اسلامی را برپا کرده و همواره از آن حمایت کرده‌اند.

۳. جمهوری‌بودن جمهوری اسلامی، به این معنا نیست که همه قوانین، برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها با نظر مستقیم و خواست جزء به جزء مردم صورت گیرد؛ چنین چیزی در هیچ کدام از سیستم‌های به اصطلاح دموکراتیک هم وجود ندارد. بله! وقتی اصل نظام، ساختارهای کلان، کلیت روندها و تصمیم‌های حساس با رضایت، همراهی و پشتیبانی مردم صورت گیرد، در باقی موضوعات، همین قدر که امور کشور بر اساس قانون و رویه‌های معتبر صورت گرفته و توسط مراکز ارزیابی و نظارت مورد تأیید قرار گیرد، کافی است. جمهوری‌بودن یک سیستم، بر اظهارنظر شخصی مردم در تک تک امور کشور متوقف نیست؛ بلکه انتخاب حاکمان از سوی مردم و رضایت کلی آنان از اهداف، ارزشها و راهبردهای سیاسی و اجتماعی و روند شناسایی نیازها و یافتن و به کارگیری راه حلها، برای مردمی‌بودن یک نظام کافی است.

۴. در قانون اساسی جمهوری اسلامی وظایف و اختیارات همه ارکان و قوای کشور به تفصیل بیان شده و مسأله مبهمی وجود ندارد. از آنجا که جمهوری اسلامی بر پایه اصل امامت شیعی و رهبری عالی فقیهان جامع شرایط شکل گرفته و مشروعیت همه ساختارها، نهادها و روندها به نهاد ولایت و رأی مردم، توأمان، بستگی دارد، نظارت، راهبری و هماهنگی همه قوای کشور از وظایف مقام معظم رهبری است. (اصل ۵۷) این نظارت، راهبری و هماهنگی، از لحاظ نظری و عملی، همواره در سطح کلان بوده و هرگز به حوزه اختیارات قوا و امور جزئی وارد نمیشود. بله! اگر هریک از قوای کشور از مسیر قانونی خود خارج شود، مقام معظم رهبری وظیفه دارد از انحراف کلی در مسیر مبانی، احکام و اهداف اسلامی، که در واقع، محافظت از اراده ملت و منافع کشور است، جلوگیری کند. بنابر این نظارت و راهبری کلان رهبری، به معنای مداخله در وظایف و اختیارات قانونی قوا نیست و چنان امری اساساً امکانپذیر هم نخواهد بود. تعیین فقهای شورای نگهبان، نصب رئیس قوه قضائیه و برخی از رؤسایان دیگر نهادها، به معنای دخالت رهبری در امور آن نهاد یا قوه نیست. ادعای چنان دخالتی از سوی رهبری، اگر از روی عناد و فریبکاری نباشد، یقیناً برخاسته از جهل گوینده به پیچیدگی امر حکمرانی است. تنظیم روابط قوا و نظارت عالی بر عملکرد قوای سه گانه به معنای دخالت در امور قوا نیست، بلکه به معنای حمایت از استقلال قوا و رفع اختلافات و چالشهایی است که احیاناً میان قوا در سطح عملکردی بروز میکند.

۵. اختیارات و وظائف مقام رهبری در قانون اساسی، محدود، معین و بدون ابهام است (اصول ۱۰۱ تا ۱۰۷ تا ۲۱۱) و با وظائف و اختیارات دیگر قوا و نهادهای سیاسی تداخلی ندارد. ادعای تداخل اختیارات و وظائف، نوعی شیطنت سیاسی برای القای استبدادیبودن جایگاه

رهبری است. بیش از سه دهه از دوران رهبری مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای، به خوبی گواه این است که رهبر معظم، با وجود دارا بودن ولایت مطلقه بر طبق قانون اساسی، جز در چند مورد محدود، که مصلحت فوری کشور اقتضا میکرد، همواره در چارچوب اختیارات و وظائف تصریح شده در قانون اساسی حرکت کرده و پاسدار ارزشهای انقلاب و رأی مردم بوده‌اند.

۶. شبهه‌کننده برای اثبات ادعای خود، تنها به اصولی از قانون اساسی استناد کرده که بعد اسلامی نظام و جایگاه رهبری و ... را بیان می‌کند و عامدانه از اصولی که درباره نقش و حقوق مردم سخن گفته، چشم‌پوشی کرده است. در حالی که قانون اساسی جمهوری اسلامی بر حاکمیت، جایگاه و نقش مردم در امور سیاسی تصریح نموده است. به عنوان مثال اگر در اصل چهارم قانون اساسی بر لزوم اسلامی بودن قوانین تأکید شده، در اصل ششم بر این امر تصریح شده که در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید با اتکاء به آراء عمومی و از راه انتخابات اداره شود. حال اگر اصل ششم دلالت صریح بر جمهوریت نظام نداشته باشد، پس بر چه چیزی می‌تواند دلالت کند؟! همچنین اگر در اصل ۵۷ قانون اساسی آمده که «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند و این قوا مستقل از یکدیگرند»، در اصل ۵۶ هم به حاکمیت مردم در طول حاکمیت الهی تصریح شده است: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خدا است و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید، اعمال می‌کند»!

۷. جمهوری اسلامی با وجود شباهت‌هایی که با دموکراسی‌های غربی دارد، تمایزها و تفاوت‌های مهمی نیز با آن دارد. اومانیسم (انسان‌گرایی)، بنیادی‌ترین مبنای نظری دموکراسی‌های غربی، خصوصاً لیبرال - دموکراسی است. بر اساس این مبنا، هیچ ارزشی بالاتر از انسان وجود ندارد و همه ارزش‌ها، قوانین و اهداف باید در راستای تأمین خواست انسان باشد. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران، بر اساس نگرش توحیدی اسلام بنا شده است. در این نگرش، انسان بنده خدا است و هدف از آفرینش او رسیدن به کمال اختیاری، یعنی قرب الی الله، است. در نظام اعتقادی توحیدی، ارزش‌ها، اهداف و قوانین از سوی خداوند تعیین می‌شود. هدف سیاست دینی، تنها، تأمین نیازهای مادی و دنیایی نیست؛ بلکه هدف سیاست دینی، رساندن انسان به سعادت دنیایی و آخرتی به صورت توأمان است. از این رو برپایی نظام سیاسی و نیز مشارکت در امور سیاسی نه با هدف اعمال خواسته‌های برآمده از غرائز و شهوات، بلکه با هدف تعیین حاکمان صالحی است که بتوانند ارزش‌ها، احکام و هدف‌های متعالی دین را محقق کنند.

بنابر این، جمهوری اسلامی، جمهوری است، اما نه جمهوری به شکل لیبرال - دموکراسی؛ بلکه جمهوری‌ای بر اساس مبانی و ارزش‌های اسلامی. حتی اگر ملاک جمهوری بودن را صرف سیاست‌ورزی حاکمان بر اساس خواسته‌های مردم بدانیم، باز هم جمهوری اسلامی، جمهوری است، زیرا مردم ایران خواسته‌اند که قوانین اسلامی بر زندگی فردی و اجتماعی آنان حاکم باشد!

#### ■ منابع جهت مطالعه:

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- محمد تقی مصباح یزدی، اندیشه سیاسی اسلام، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی
- همو، پرسشها و پاسخها (جلد ۱ تا ۵)، قم: انتشارات

مؤسسه امام خمینی

• عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه: ولایت فقاہت و عدالت، قم: نشر اسرا

• میر احمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی، قم: نشر بوستان کتاب،

• محمد نجفی، نظام ولایت فقیه، نظام علوی یا مهدوی، قم: نشر معارف،

• سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: میزان،

• محمد جواد نوروزی و عباس کعبی، چالش عرفی گرایی با جمهوری اسلامی ایران، معرفت فلسفی، شماره ۲۶، ۱۳۸۸

• عباس کعبی، مبانی حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، علوم انسانی اسلامی صدر، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۶

• محسن ولایتی، کاوشی پیرامون مبانی فقهی شورای نگهبان در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، نشریه فقه و تاریخ تمدن، سال هفتم، شماره ۴، ۱۳۹۸.

#### ■ ایده‌هایی برای مقابله:

تبیین مبانی جمهوری اسلامی و ولایت فقیه برای عموم مردم به ویژه جوانان؛ شفاف‌سازی هرچه بیش‌تر از روند تأیید یا عدم تأیید صلاحیت‌های نامزدهای انتخابات؛ تغییر قانون ممنوعیت انتشار مستندات رد صلاحیت داوطلبان از سوی شورای نگهبان؛ برگزاری مناظرات تلویزیونی با مخالفان و موافقان نظارت استصوابی شورای نگهبان؛ ساخت مستند و موش‌گرافی با موضوع بررسی تطبیقی فرایند انتخابات در کشورهای مختلف؛ ساخت برنامه‌های گفتگو محور درباره تبیین شرایط قانونی و روندهای انتخاباتی در جمهوری اسلامی؛ تهیه و توزیع بوروشور، بولتن و جزوه‌های الکترونیکی پاسخ به شبهات انتخاباتی.

## دروغی به نام انتخابات در جامعه دینی

موضوع عام: انتخابات

موضوع خاص: مبانی دینی انتخابات

نام شبهه‌کننده: سیامک پورشجری

منبع انتشار شبهه: سایت رنگین کمان

rangin-kaman.net

هدف‌های احتمالی: تضعیف نهاد انتخابات،

تضعیف ولایت فقیه، متهم ساختن نظام به

دیکتاتوری، کاستن از انگیزه مشارکت سیاسی،

تحریف ماهیت حکومت دینی و مردم‌سالاری.

نمایه‌ها: حکومت دینی، حق انتخاب،

دموکراسی، ربوبیت خدا، فردیت، اراده مردم.

شناسه شبهه

### متن شبهه

۱. در جامعه عقب مانده اسلامی که در واقع، اجتماعی گله‌وار است و توسط مراجع و رهبران مذهبی در مقام چوپان کنترل می‌شود، به دلیل اینکه اعضاء، فاقد فردیت و هویت فردی هستند، هرگونه حرکت جمعی و رفتار گروهی، واکنشی است غیرارادی و بی‌اختیار و هیچ تصمیمی از سوی افراد هرگز اندیشیده و بررسی و تحلیل نمی‌شود؛ بلکه فقط و فقط مرجع دینی است که هم تصمیم‌ساز و هم تصمیم‌گیرنده است. اساساً انسان در جامعه اسلامی در مقامی نیست که بیاندیشد. حتا مرجع دینی، تنها و فقط کلام مقدس و امرالهی را محقق کرده و به منصف ظهور می‌رساند.

۲. در جامعه اسلامی به هرامری از دریچه حرام و حلال شرعی نگریسته می‌شود و از هیچکس توقع پرسش، خردورزی، جستجوگری و سنجش‌مداری و در نهایت اظهارنظر و ابراز وجود نیست. از افراد انتظار نمی‌رود، جز از بابت تکالیف شرعی و عمل به واجبات و پرهیز از محرمات، دل مشغولی و ذهن مشغولی دیگری داشته باشند.



۳. در جامعه اسلامی سرنوشت مسلمان و مؤمن را مشیت الهی رقم می‌زند، نه تصمیم و اراده و انتخاب خود فرد. مسبب‌الاسباب او است: «أبی‌الله ان یجری الامور للمؤمن من حیث یحتسب» یعنی خدا ابی دارد از اینکه از راهی که ما درست می‌کنیم، روزی ما برسد. امام جعفر صادق می‌گوید: «هر کسی که به غیر خدا امید پیدا کند، امیدش ناامید خواهد شد. خدا هم قسم خورده که امیدش را ناامید می‌کنم!»

۴. جامعه‌ای که در آن انسان حق انتخاب داشته باشد، آن جامعه، جامعه دینی نیست، بلکه جامعه انسانی است، جامعه مدنی است. آنجا دارالحرب است. جایی است که انسان در برابر خداوند می‌ایستد و ادعای قدرت و دانش و اراده و اختیار و انتخاب می‌کند. در جامعه مدنی انسان در مقام شهروند، نسبت به خداوند و هر مرجع بیرونی، خود را بی‌نیاز دانسته و اعلام خودمختاری و استقلال می‌کند.

۵. انتخابات و مشارکت در تعیین سرنوشت خود، امری مدرن و از ملزومات جامعه مدنی است. در صورتی که جامعه ایران از دیرباز تاکنون همچنان جامعه‌ای سنتی و مذهبی بوده و تا فرارویدن به جامعه مدنی که بر محور آگاهی و تکلیف و مسئولیت اجتماعی یکایک اعضا و بر پایه قرارداد اجتماعی شکل می‌یابد، کماکان فاصله دارد. به همین دلیل است که برگزاری انتخابات‌ها و رأی‌گیری‌های بی‌شمار طی یکصدسال گذشته و کلاً مقوله و موضوع انتخاب و انتخابات از سوی عموم ملت، هرگز به منزله حق تعیین سرنوشت و اساس و بنیاد حاکمیت و تسلط انسان بر زندگی و حیات و هستی فردی و اجتماعی خویش نگریسته نشده و نهادینه و درونی روان فرد و روان جامعه نگردیده است!

### ■ پاسخ اجمالی

۱. اصولاً یکی از روش‌های رایج روشنفکرانها برای نقد جامعه و جمهوری اسلامی، تحقیر و تمسخر است. بر چسب «جامعه گله‌وار» که آشکارا توهینی به شخصیت و منزلت تک تک ایرانیان است، از خودشیفتگی بیمارگون و احساس خشم و حقارت درونی شبهه‌کننده ناشی می‌شود. این روشنفکرانها برای خود هیچ هویتی جز غرب‌زدگی و خودباختگی در برابر فرهنگ و تمدن مادی و ضدانسانی غرب نمی‌شناسند و تنها راه پیشرفت (و حتی انسان‌شدن!) را در غربی‌شدن و تقلید از غرب جستجو می‌کنند. این افراد، که شدیداً از خودبیگانه و دارای هویت‌های جعلی و دروغین هستند، گمان می‌کنند که دیگر مردمان نیز مانند آنان از این بیماری نفرت‌انگیز رنج می‌برند. از این رو نسخه‌ای که برای جامعه می‌پیچند، دقیقاً همان نسخه‌ای است که خودشان به آن عمل کرده‌اند!

۲. پیروی مردم مسلمان ایران از رهبران و مراجع دینی اولاً بر اساس نگرشی عقلانی (لزوم رجوع عالم به جاهل در مسائل تخصصی) و از خاستگاه دینداری است. مردم ایران مسلمان‌انند و تنها برای آموزش مسائل دینی به مراجع دینی، یعنی خبرگان دین‌شناس مراجعه می‌کنند. ثانیاً تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مسائل کلان جامعه نه تنها از عهده عموم مردم خارج است، بلکه چنین کاری اساساً ممکن نیست. در همه کشورها، بر اساس مدل حکومت، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در امور کلان بر عهده افراد خاصی است. ثالثاً در جمهوری اسلامی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در اختیار مجلس شورای اسلامی و قوه مجریه است و مراجع دینی در امور سیاسی و اجتماعی دخالتی ندارند. ولایت فقیه، جایگاه عالی مدیریت سیاسی دینی است که در هر زمان یکی از فقیهان عهده‌دار آن است.

اساسا کار مراجع دینی، استنباط احکام دین، پاسخگویی به پرسش‌های دینی مؤمنان و هدایت حاکمان و سیاستمداران است؛ نه زمامداری. آری! از آنجا که مردم ایران مسلمان‌اند، مبانی، ارزش‌ها، چارچوب‌های کلان و اهداف سیاسی توسط محققان و صاحب‌نظران دینی، از متون دینی استنباط می‌شود و این امر، غیر از تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاسی و اجتماعی است. خامسا مردم در بسیاری از امور زندگی خود (قلمرو مباحات) آزاداند و بر اساس اهداف و ترجیحات فردی تصمیم‌گیری می‌کنند. سادسا برخلاف فرهنگ مادی غرب، فرهنگ اسلامی دارای وجوه فردی و جمعی است. فرد مسلمان هم دارای هویت فردی است و هم هویت جمعی. از این رو همانگونه که به دنبال هدف‌ها و ترجیحات فردی است، برای تحقق هدف‌های جمعی، در امور اجتماعی مشارکت می‌کند. در فرهنگ غربی، انسان‌ها رقیب یکدیگرند و هرکسی به دنبال جلب بیش‌ترین سود و لذت برای خود است؛ اما در فرهنگ اسلامی، انسان‌ها مکمل و یاور یکدیگرند و از این رو دارای ارزش‌ها و اهداف جمعی نیز هستند!

۳. حلال و حرام در فرهنگ اسلامی همان قانون لیکن با منشأ الهی است. همانگونه که التزام به قانون در جوامع سکولار، نشانه تمدن و فرهیختگی است، التزام به حلال و حرام الهی در جوامع دینی هم نشانه فرهیختگی، دینداری و سلامت اخلاقی و معنوی انسان است. اگر پرسش و تحقیق درباره احکام دینی و التزام به حلال و حرام الهی، نشانه عقب‌ماندگی و دوری از فکر و خردورزی است، پرسش و تحقیق درباره قوانین و التزام عملی به آن در جوامع سکولار هم نشانه عقب‌ماندگی و دوری از فکر و خردورزی خواهد بود.

۴. واجبات و محرمات الهی قلمرو محدودی از زندگی مؤمنان را تنظیم و تحدید می‌کند. بخش فراخ‌تر زندگی فردی و اجتماعی مؤمنان در قلمرو مباحات دینی

است. مؤمنان در قلمرو مباحات، آزادی عمل و نظر دارند. همانگونه که در جوامع سکولار، قوانین، بخشی از آزادی‌های مردم را محدود می‌کند و شهروندان همواره درباره رعایت قانون، دغدغه و دلمشغولی دارند، فرد مسلمان نیز باید حدود واجب و حرام الهی را بشناسد و آن را رعایت کند.

۵. اعتقاد به قضا و قدر الهی یکی اعتقادات بنیادین اسلامی است، اما این عقیده به معنای سرنوشت‌گرایی و جبری مسلکی نیست. نگرش قضا و قدر در جهان بینی اسلامی، به معنای این است که جهان، دارای حساب و کتاب و امور آن بر اساس مشیت و اراده الهی و از مجرای اسباب و مسببات جریان می‌یابد. تحقق هر چیزی در عالم، اعم از رفتارهای انسانی و غیر آن، تصادفی و بی‌سبب نیست. از این رو سعادت دنیا و آخرت انسان بر علل و اسباب خاصی متوقف است. برخلاف تصور غلط شبهه‌کننده، قضا و قدر در اندیشه اسلامی به معنای قانون‌مندی و نظم عالم است، نه به معنای بی‌اختیاری و مجبوربودن انسان‌ها! بنابر نگرش قضا و قدر، انسان برای رسیدن به هدف‌های خوب و خواستنی (مثل پیشرفت، آرامش و کمال علمی و عقلی و معنوی) باید از روش‌ها و ابزارهای مناسب استفاده کند. نادانی، ناخردورزی، تنبلی، بی‌برنامگی، بی‌نظمی و دیگر روش‌های غلط انسان را به هدف‌های متعالی و خواستنی نمی‌رساند. معنای حدیث «ابی‌الله ان یجری الامور الا باسبابها» این است که هرچند خداوند می‌تواند هر وضعیت خوب و بدِ ممکن را بدون اسباب مادی ایجاد کند، اما اینگونه خواسته و اراده کرده است که هراتفاق خوب و بدی تنها از مسیر علل و اسباب خاصی (اعم از اسباب مادی و معنوی) روی دهد.

۶. امیدواری به آینده، مهم‌ترین زمینه و عامل موفقیت و پیشرفت است. اگر امید نباشد، مشکلات و موانعی که بر سر راه انسان است، او را از حرکت به سمت کمال

و سعادت باز می‌دارد. امید به خدا برخاسته از اعتقاد به وجود، علم، قدرت و خیرخواهی بیکران او است. مؤمنان با اعتقاد به اینکه مدیر و مدبر جهان خدا است، تنها به لطف و خیرخواهی او امید دارند و امیدشان به عوامل مادی، در طول امید به رحمت، خیرخواهی و نصرت الهی است. فحوای حدیث امام صادق علیه السلام این است که اگر کسی در زندگی تنها به امور مادی امید داشته باشد، از آنجا که عوامل مادی، محدود و قابل تغییر و تحوّل است، امیدش ناامید می‌شود، اما اگر در کارها به یاری و خیرخواهی خداوند امید داشته باشد، در هیچ صورتی ناامید نمی‌شود؛ زیرا حتی اگر به هدف موردنظرش هم نرسد، می‌داند که خداوند مهربان، محرومیتش را در جای دیگر یا در جهان دیگر جبران خواهد کرد. بنابر این هیچگاه از تلاش و حرکت باز نمی‌ایستد.

۷. در هیچ جامعه‌ای انسان‌ها حق انتخاب مطلق ندارند؛ حتی در محیط جنگل هم حق انتخاب مطلق وجود ندارد. انسان‌ها چه بر اساس قانون الهی و چه بر اساس قرارداد اجتماعی، دامنه معینی از حدود، حقوق و آزادی دارند. بنابر این در جامعه مدنی، حدود و حقوق افراد، توسط قرارداد و در جامعه اسلامی، توسط قانون خداوند تعیین می‌شود. البته چنانکه پیش‌تر گفته شد، محدوده الزامات دینی، از محدوده آزادی‌های آن، کم‌تر است.

۸. ایستادن در برابر احکام الهی، نشانه مدنیت و آزادی نیست؛ هم چنانکه پذیرفتن اعتقاد دینی و ایمان به خداوند، نشانه فقدان آزادی نیست. انسان همواره در برابر امکان‌ها و انتخاب‌های مختلف قرار دارد. کسی که قانون الهی را انتخاب می‌کند، به همان میزان آزاد است که کسی که قانون قراردادی را انتخاب می‌کند.

۹. دموکراسی و به تبع آن انتخابات، نوعی شیوه تنظیم و مدیریت امور اجتماعی است، نه نوعی فلسفه زندگی. دموکراسی به این معنا نیست که انسان‌ها حتماً آنچه

را خودشان در همه امور زندگی تشخیص می‌دهند، انتخاب کنند. دموکراسی به معنای انتخاب آزاد شیوه قانونگذاری و حکمرانی است؛ خواه آن شیوه را خود انسان‌ها ابداع کرده باشند و خواه از مرجع دیگری مانند دین گرفته باشند. پس اگر انسان‌هایی با اختیار و اراده آزاد خود، برای تنظیم و مدیریت امور زندگی، قانون الهی را انتخاب کردند، دموکراسی محقق شده است. به عبارت دیگر دموکراسی به معنای چگونه انتخاب کردن است، نه به معنای چه چیزی را انتخاب کردن! انسان‌ها اختیار دارند که بر اساس فلسفه زندگی خود، هر نوع شیوه حکمرانی را انتخاب کنند. اگر جوامع سکولار بر اساس فلسفه لیبرالیسم، برای تنظیم و مدیریت امور زندگی خود قوانین بشری را انتخاب کرده‌اند، مردم ایران هم بر اساس اندیشه و اعتقاد اسلامی، قانون الهی را انتخاب کرده‌اند.

#### ■ منابع جهت مطالعه:

- محمد سروش محلاتی، دین و دولت در اندیشه اسلامی، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری
- محمد تقی مصباح یزدی، نظریه اندیشه سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- علی صفائی حائری، از معرفت دین تا حکومت دین، قم: انتشارات لیلہ القدر
- حسن رحیم پور ازغدی، جامعه دینی و نسبت آن با حکومت دینی، نشریه اندیشه حوزه، شماره ۵۴، ۱۳۸۴
- محسن علی اکبری، مبانی و ساختار حکومت دینی از منظر قرآن، مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۵، ۱۴۰۲
- احمدعلی نیازی، اهداف و وظائف حکومت دینی، معرفت سیاسی سال دوم بهار و تابستان ۱۳۸۹ شماره ۱ (پیاپی ۳)
- حمیدرضا شاکرین، حکومت دینی، قم: انتشارات دفتر نشر معارف
- علی صفائی حائری، تحلیلی نو از حکومت دینی، قم: انتشارات لیلہ القدر

- حسین رحمانی تیرکلائی، بررسی علل اجتماعی شکل گیری انقلاب اسلامی، جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، شماره ۹، بهار ۱۴۰۱
- سید محسن احمدی، مقایسه اندیشه حکومت اسلامی در اندیشه‌های عبدالکریم سروش و محمد تقی مصباح یزدی، پژوهش‌های اعتقادی کلامی، شماره ۱۳۹۹، ۳۸.

#### ■ ایده‌هایی برای مقابله:

تبیین مبانی، اهداف و ارزش‌های جمهوری اسلامی برای عموم مردم خصوصاً نسل جوان از طریق، انتشار کتاب‌های مناسب، فیلم، سریال، شعر، داستان و دیگر ابزارها و روش‌های هنری؛ شفاف‌سازی هرچه بیش‌تر از روند تأیید یا عدم تأیید صلاحیت‌های نامزدهای انتخابات؛ تغییر قانون ممنوعیت انتشار مستندات رد صلاحیت داوطلبان از سوی شورای نگهبان؛ برگزاری مناظرات تلویزیونی با مخالفان و موافقان نظارت استصوابی شورای نگهبان؛ ساخت مستند و موش‌گرافی با موضوع بررسی تطبیقی فرایند انتخابات در کشورهای مختلف؛ ساخت برنامه‌های گفتگو محور درباره تبیین شرایط قانونی و روندهای انتخاباتی در جمهوری اسلامی؛ تهیه و توزیع بوروشور، بولتن و جزوه‌های الکترونیکی پاسخ به شبهات انتخاباتی.

## نمایش انتخابات با بازیگران دست چندم

**موضوع عام:** انتخابات

**موضوع خاص:** تحریم انتخابات

**نام شبهه‌کننده:** محمدحسین یحیایی

**منبع انتشار شبهه:** سایت ایران گلوبال:

iranglobal.info

**هدف‌های احتمالی:** تضعیف نهاد انتخابات،

کاستن از انگیزه مشارکت، تحریک مردم به

تحریم انتخابات، ایجاد بدبینی نسبت به نظام

اسلامی.

**نمایه‌ها:** جمهوری اسلامی، مشارکت

سیاسی، شورای نگهبان.

شناسه شبهه

### متن شبهه

۱. انتخابات ۱۴۰۰ یکی از بی‌رمق‌ترین انتخابات دوران جمهوری اسلامی بود. مردم به این نتیجه رسیده‌اند که این رژیم، نه اصلاح‌پذیر است و نه قادر به تأمین رفاه برای مردم است. مردم هم اکنون در بدترین شرایط اقتصادی و اجتماعی به سر می‌برند. بیکاری، فقر و تورم بیداد می‌کند. سبد غذایی هرروز کوچک‌تر و کم‌تر می‌شود. تهیدستان گوشت و مرغ و ماهی را از مصرف روزانه خود حذف کرده‌اند.

۲. شورای نگهبان، شیوه انتخابات و بهره‌گیری از باورهای دینی و مذهبی، با آزادی اندیشه و افکار مترقی مغایرت دارد. در نتیجه انتخابات در جمهوری اسلامی هرگز آزاد نبوده است و بدون مشارکت مردمی، برون‌رفت از این همه بحران اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قابل تصور نیست.

۳. رژیم ایران نیمی از مردم (زنان) را از انتخاب شدن محروم کرده است. در این میان تبعیض و محرومیت



برای اقوام دینی و مذهبی قانونی است. دگراندیشان، سنی‌مذهبان و باورمندان دیگر از حق انتخاب شدن محروم‌اند. در این میان ملل ساکن در گستره ایران هیچگونه نقشی در این انتخابات برای تغییر شرایط موجود و حق تعیین سرنوشت ندارند. در نتیجه این انتخابات نمایش‌گونه قادر به حل معضلات اجتماعی نیست. شاید تحریم آن بیش‌تر تاثیرگذار برای آینده باشد...

## پیشنهادها

### ■ پاسخ اجمالی:

۱. وجود بیکاری، فقر، تورم و به عبارت دیگر شرایط بد معیشتی، در کشور ما قابل انکار نیست. فارغ از اینکه زمینه‌ها و علل این مشکلات چیست، آیا راه حل مشکلات، عدم مشارکت سیاسی و تحریم انتخابات است؟ عدم مشارکت سیاسی، فقط ممکن است برای براندازی نظام کارآیی داشته باشد، نه برای حل مشکلات! هرچند مردم به برخی از ناکارآمدی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، تبعیض‌ها و فسادها اعتراض دارند و اعتراض‌شان هم به حق است، اما نگرش بی‌فائده بودن یا تحریم انتخابات، هرگز به رفع این نابسامانی‌ها کمک نمی‌کند. مردم ایران در مقاطع مختلف نشان داده‌اند که از کلیت جمهوری اسلامی دفاع می‌کنند و هرگز با براندازان همراهی نمی‌کنند. حل مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، جز با مشارکت، همراهی و همکاری ملی امکان‌پذیر نیست. انتخابات، مهم‌ترین زمینه ایجاد تحول مثبت در نحو حکمرانی است. مشارکت گسترده و آگاهانه مردم در انتخابات باعث تغییر افراد، نگرش‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و عملکردهای منفی و غیرسازنده در سطح حاکمیت و حکمرانی است. تحریم انتخابات مشکلی را حل نمی‌کند؛ بلکه موجب گسترش و تعمیق ناامیدی، منفی‌نگری و خشونت در جامعه شده و انگیزه مدیران و مسؤولان صالح و کارآمد را هم کاهش

می‌دهد. عدم مشارکت در انتخابات، قدرت ملی، امنیت ملی، منزلت ملی و تأثیرگذاری کشور در تصمیم‌گیری‌ها و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی را به خطر می‌اندازد.

۲. با وجود مشکلات فراوانی که همه از آن آگاهی داریم، جمهوری اسلامی ایران در ۴۴ سال گذشته خدمات فراوانی را برای کشور و ملت ایران انجام داده است. برجسته‌سازی ضعف‌ها و مشکلات و چشم‌پوشی و نادیده‌گرفتن خدمات و نقاط مثبت، مغالطه آشکاری است. کشور ایران با وجود مشکلات موجود، جزء یکی از مناسب‌ترین کشورها برای زندگی است.

۳. بسیاری از مشکلات کشور، در فرهنگ عمومی ما ریشه دارد. تا زمانی که برخی از نگرش‌ها، عادت‌ها و هنجارهای عمومی جامعه تغییر نکند، به تحولات مثبت بیش‌تر امید نیست. تنبلی، مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی، دروغ‌گویی، رقابت‌های منفی، مسؤوولیت‌گریزی، پرهیز از کارهای جمعی، نمایش‌گری و در پی کارهای پرستیژدار بودن، اهل مطالعه‌نبودن، کم‌فکرکردن و زیاد حرف‌زدن، آسان‌گرایی و سخت‌گیری در همه امور زندگی، ... بخشی از عادات و رویه‌های جاری در فرهنگ عمومی ما است. در حالی که رشد و پیشرفت و تعالی مادی و معنوی فرد و جامعه در گرو نگرش‌ها و عادات مفید و سازنده است.

۴. هرچند ضعف‌های ساختاری و عملکردی نهاد دولت در ایران را نمی‌توان انکار کرد؛ اما این تصور که «دولت، ابرقدرت است و می‌تواند همه کاری بکند و اگر نکند، حتما نخواسته است»، تصویری غلط و گمراه‌کننده است، که البته ریشه تاریخی دارد. پیشرفت و توسعه حقیقی، در همه حوزه‌های زندگی، بر مشارکت جدی و همه‌جانبه مردم متوقف است و این انتظار که تغییر دولت‌ها و مجالس می‌تواند همه مشکلات را به سرعت و بدون مشارکت ملی برطرف کند، نابجا و غیرمنطقی است. تغییر دولت‌ها و نمایندگان مجلس می‌تواند زمینه‌ساز تحولات مثبت شود. اما رفع

مشکلات و ناسامانی‌ها، مستلزم همکاری و همیاری همه مردم است. انتخابات، مقدمه تحول در حاکمان و نحوه حکمرانی و آن هم، مقدمه همکاری و همیاری ملی برای رفع مشکلات و بهبود شرایط زندگی است.

۵. مشکلات کشور ریشه‌ها و علل خارجی هم دارد. تحریم‌های گسترده، بی‌نظیر و ظالمانه غرب علیه ملت ایران و پیگیری از ورود برخی از دانش‌ها، فن‌آوری‌ها و ابزارهای مورد نیاز کشور، تنگناها و ناسامانی‌های زیادی را برای مردم ایجاد کرده است. این تحریم‌های ظالمانه با هدف به زانو درآوردن ملت ایران و در نتیجه، تن‌دادن به خواسته‌های کشورهای زورگوی غربی است. اساساً غربی‌ها خود را نژاد برتر و لایق آقایی و سروری بر بشریت می‌دانند و ملت‌های دیگر را نوکر و دنباله‌رو خود می‌خواهند. کشورهای غربی بعد از دوران استعمار قدیم و غارت منابع ملت‌ها، تلاش کردند تا خواسته‌های نامشروع و اهداف پلید خود با استفاده از روش‌های سیاسی و فرهنگی دنبال کنند. سازمان‌های عریض و طویل و انواع پیمان‌ها و اسناد سیاسی و فرهنگی بین‌المللی، با هدف بسط و تعمیق قدرت نامشروع غرب بر ملت‌های غیرغربی بوده است. (البته خوشبختانه جنگ نابرابر، جنایتکارانه و وحشیانه اسرائیل علیه مردم بی‌دفاع غزه، چهره زشت و خوی وحشی‌گری واقعی جهان غرب را آشکار ساخت. ترس شدید از نابودی رژیم غاصب اسرائیل و از بین رفتن مهم‌ترین پایگاه جاسوسی و خرابکارانه آنان در خاورمیانه، موجب شد تا به قیمت بی‌آبرویی در برابر مردم جهان و تاریخ انسانیت، همه نقاب‌ها را کنار زده و خود واقعی‌شان را نشان دهند.)

۶. در کشور ما به برکت انقلاب و جمهوری اسلامی زنان جایگاه شایسته و منزلت حقیقی خود را پیدا کردند. اساساً اسلام نگرش تکریم‌گرانه‌ای به زن و زنانگی دارد. امروزه زنان در همه عرصه‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی کشور حضور دارند و هیچگاه

زنانگی، مانعی برای بهره‌مندی از حقوق اجتماعی زنان نبوده است. در جمهوری اسلامی، جز در موارد معدودی، که به سبب ناهمخوانی با طبیعت جسمی و روانی زنان است، زنان از هیچ فعالیت شرافتمندانه اجتماعی منع نشده‌اند. با این وجود دکترین ترجیحی ( و نه الزامی) اسلام برای زنان، عدم ورود گسترده به کارهای اجتماعی و در عوض، پرداختن به ایفای نقش همسری و مادری است. ورود به عرصه‌های اجتماعی و مناصب سیاسی و مدیریتی، چه رسد به شغل‌های خدماتی و سطح پایین، ارزش اصیلی برای زنان محسوب نمی‌شود. فرهنگ اسلامی و ایرانی همواره برای زنان منزلت ویژه‌ای قائل بوده و حضور گسترده در عرصه‌های اجتماعی را برای زنان نمی‌پسندد و این امر را به زیان زنان می‌داند.

۷. در طول تاریخ ظلم‌هایی فراوانی به زنان شده است. این ظلم‌های تاریخی به اسلام، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ربطی ندارد. جهان غرب در موضوع شخصیت و حقوق زنان، همواره میان افراط و تفریط در نوسان بوده است. تا دو قرن قبل، در غرب، زنان از همه حقوق و منزلت‌های اجتماعی محروم بودند و امروزه، که ظاهراً به برخی از حقوق خود دست یافته‌اند، بر اثر افراط‌های صورت گرفته، منزلت و نقش‌های اصیل انسانی خود، یعنی مادری و همسری، را از دست داده یا در حال از دست دادن‌اند. زن در جهان غرب کنونی بیش از هرچیز کلای جنسی برای شهوترانی مردان، کارگر ارزان کارخانه‌ها و فروشگاه‌ها و ابزار تبلیغی جذاب برای بازاریابی محصولات شرکت‌های بزرگ سرمایه‌داری است.

#### ■ منابع جهت مطالعه:

- محمد حسین راجی، صعود چهل ساله، مشهد: اندیشکده سعدهاء
- محمد تقی مصباح یزدی، نظریه اندیشه سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

- علی صفائی حائری، از معرفت دین تا حکومت دین، قم: انتشارات ليله القدر
- حسن رحيم پور ازغدی، جامعه دینی و نسبت آن با حکومت دینی، نشریه اندیشه حوزه، شماره ۵۴، ۱۳۸۴
- محسن علی اکبری، مبانی و ساختار حکومت دینی از منظر قرآن، مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۵، ۱۴۰۲
- احمدعلی نیازی، اهداف و وظائف حکومت دینی، معرفت سیاسی سال دوم بهار و تابستان ۱۳۸۹ شماره ۱ (پیاپی ۳)
- حمیدرضا شاکرین، حکومت دینی، قم: انتشارات دفتر نشر معارف
- علی صفائی حائری، تحلیلی نو از حکومت دینی، قم: انتشارات ليله القدر
- حسین رحمانی تیرکلائی، بررسی علل اجتماعی شکل‌گیری انقلاب اسلامی، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، شماره ۹، بهار ۱۴۰۱
- سید محسن احمدی، مقایسه اندیشه حکومت اسلامی در اندیشه‌های عبدالکریم سروش و محمد تقی مصباح یزدی، پژوهش‌های اعتقادی کلامی، شماره ۳۸، ۱۳۹۹
- عبدالله جوادی آملی، زن در آینه جمال و جلال، قم: نشر اسراء
- شهید مرتضی مطهری، نظام حقوق و شخصیت زن در اسلام، تهران: نشر صدرا
- محمدرضا کدخدایی، پاسخ به شبهات دینی در قلمرو شخصیت و حقوق زن، قم: مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات دینی
- مجموعه بیانات مقام معظم رهبری درباره شخصیت و نقش زنان در نظام اسلامی، سایت معظم له.

#### ■ ایده‌هایی برای مقابله:

تبیین مبانی، اهداف و ارزش‌های جمهوری اسلامی برای عموم مردم خصوصاً نسل جوان از طریق، انتشار کتاب‌های مناسب، فیلم، سریال، شعر، داستان و دیگر

ابزارها و روش های هنری؛ تبیین تمایزها و امتیازات جامعه اسلامی بر جوامع سکولار و لائیک؛ تبیین نقش های بی بدیل دین در پاسخ به نیازهای مادی و معنوی انسان؛ تهیه و انتشار تحقیقات تطبیقی میان کیفیت زندگی در جوامع غربی و جامعه اسلامی ایران از طرق مختلف؛ شفاف سازی هرچه بیش تر از روند تأیید یا عدم تأیید صلاحیت های نامزدهای انتخابات؛ تغییر قانون ممنوعیت انتشار مستندات رد صلاحیت داوطلبان از سوی شورای نگهبان؛ برگزاری مناظرات تلویزیونی با مخالفان و موافقان نظارت استصوابی شورای نگهبان؛ ساخت مستند و موش گرافی با موضوع بررسی تطبیقی فرایند انتخابات در کشورهای مختلف؛ ساخت برنامه های گفتگو محور درباره تبیین شرایط قانونی و روندهای انتخاباتی در جمهوری اسلامی؛ تهیه و توزیع بوروشور، بولتن و جزوه های الکترونیکی پاسخ به شبهات انتخاباتی.

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبها (حوزه‌های علمی)

pasokh.org | wikipasokh.com

pasokh.tv | pasokhmag.ir

shobhepajouhi.ir